

## داوری در ایالات متحده آمریکا

هوارد ام هولتزمن<sup>(۱)</sup>

ترجمه: دکتر علی قاسمی \*

«۱۳۸۱/۲/۱۵»

هر چند که در خصوص حل و فصل اختلافات بین اصحاب دعوی طریق معمول رجوع به مراجع قضایی است، ولی طرق دیگری نیز وجود دارد که مهمترین آنها داوری است. مزایای ویژه رجوع به داوری و حل و فصل اختلافات از این طریق که از جمله آنها کوتاه شدن زمان دادرسی و همچنین تخصصی بودن آن و نیز تقلیل هزینه‌های مربوطه است، موجب شده که در دهه‌های اخیر استقبال زیادی از داوری در نقاط مختلف جهان بویژه کشورهای صنعتی پیشرفته بعمل آید.

نظر به اینکه بخش عمده دعاوی مربوطه به داوری ناظر به روابط تجاری و مالی اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی می‌باشد، طبیعی است کشورهای پیشرفته صنعتی دارای نظامی‌های فعال و فراگیر داوری باشند و در این میان داوری در ایالات متحده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

آشنایی با نظام داوری در ایالات متحده بعنوان یکی از مهمترین نظام‌های داوری در جهان برای نظام داوری در کشور ما که معد توسعه است می‌تواند درس‌های مفیدی را به همراه داشته باشد که مهمترین آنها استفاده از تجربه‌های موفق و کنار نهادن تجربه‌های ناموفق آنان است.

---

1- International Handbook on Commercial Arbitration, Vol.III, 1998, Kluwer law And Taxation Publishers, Deventer - Boston - The Hague

متن زیر که توسط یکی از مشهورترین چهره‌های جهان داوری به رشته تحریر کشیده شده در واقع درآمدی بر نظام داوری ایالات متحده است. مقاله مزبور شامل عناوین اصلی زیر است: تفاوت بین محدوده قانون فدرال و قوانین ایالتی از لحاظ میزان حاکمیت آنها بر امر داوری؛ قلمرو امر داوری نسبت به انواع اختلافات از جمله قراردادهای امور شرکتها و مسائل تجاری؛ رویه دادرسی در مهمترین نهاد داوری ایالات متحده یعنی انجمن داوری آمریکا؛ اشکال مختلف موافقت نامه‌های داوری و زمان تنظیم آنها از لحاظ تقدم یا تاخر نسبت به حدوث اختلافات با اشخاصی که می‌توانند طرف داوری باشند از جمله دولتها؛ مواردی که از شمول موافقت نامه‌های داوری مستثنی هستند مانند ورشکستگی؛ تعداد داوران، شرایط انتخاب، موارد رد و مسئولیت مدنی آنها؛ آئین داوری شامل ترتیبات رسیدگی و انواع ادله اثباتی از جمله کارشناسی، قوانین شکلی و ماهوی حاکم بر داوری و قلمرو شمول آنها؛ انواع رای (حضور و غیابی) و نحوه اصلاح و چگونگی محاسبه هزینه‌های داوری و تحمیل آنها بر اصحاب اختلاف حسب مورد؛ اجرای آرای داوری؛ طرق اعتراض به آرای داوری؛ آرای داوری خارجی شمول کنوانسیون‌ها و نیز موافقت نامه‌های دو جانبه و چگونگی اجرای آنها.

#### واژه‌های کلیدی:

داوری - قانون فدرال - قانون ایالتی - انجمن داوری و قواعد تجاری آن - مقام ناصب - موافقت نامه داوری طرفین (شکل و محتوا) و اجرای آن - فقدان مصونیت دولتها در داوری - نظم عمومی حق الاختراع - ورشکستگی - شرایط داوران - موارد رد داوران - مقر داوری - رسیدگی به اختلافات طرفین از طریق رسیدگی به دلایل - کارشناسی - اقدامات موقت تامین - حضور وکیل در جریان رسیدگی - قانون حاکم (شکلی و ماهوی) صدور رای (حضور و غیابی) - مصالحه - اصلاح رای - هزینه‌ها - ابلاغ رای داوری و اجرای آن - طرق اعتراض به رای داوری - چگونگی اجرای آرای داوری خارجی.

### ۱- قانون داوری

حقوق ایالات متحده سابقه طولانی و نیرومندی در شناسایی موافقت‌نامه‌های داوری و اجرای آرای داوری چه در تجارت داخلی و چه در بازرگانی بین‌المللی دارد. در اوائل ۱۸۵۵ دیوانعالی ایالات متحده نظر داد که داوری «بعنوان شیوه‌ای برای حل و فصل اختلافات، باید از تشویق و حمایت محاکم برخوردار باشند».

ابتدا باید توضیح دهیم که «قانون در ایالات متحده» آنسان که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته، چیست. قانون داوری در ایالات متحده هم ناشی از قانون ملی یعنی قانون «فدرال» است و هم از قوانین ایالت‌های مختلف. قانون فدرال و ایالتی نیز ناشی از قانونگذاری و نیز از تصمیمات دادگاهها است. قانون فدرال توسط کنگره ملی وضع می‌شود و ناظر به موضوعاتی است که در محدوده صلاحیت فدرال است. قانون فدرال در مورد داوری که عمدتاً در قانون داوری فدرال<sup>(۱)</sup> (که رسماً قانون داوری ایالات متحده<sup>(۲)</sup> نامیده می‌شود) درج شده، برای اولین بار در ۱۹۲۵ به تصویب رسیده و تاکنون چند بار اصلاح گردیده است.

جدیدترین اصلاح در قانون مزبور، اصلاح ۱۹۷۰ بوده که به منظور اجرای الحاق ایالات متحده به کنوانسیون راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی<sup>(۳)</sup> (کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک) صورت گرفته است. قانون داوری فدرال شامل موافقت‌نامه‌های مربوط به اختلاف آتی و نیز داوری اختلافات موجود می‌گردد.

بعلاوه تقریباً تمام پنجاه ایالتی که ایالات متحده را تشکیل داده‌اند، قوانین داوری مختص بخود دارند که توسط مجالس قانونگذاری ایالتی خود وضع شده‌اند. الگوی قوانین ایالت‌های مدرنتر بر اساس قانون نمونه‌ای طراحی شده است که بعنوان قانون داوری متحد الشكل<sup>(۴)</sup> شناخته شده و ابتدا در ۱۹۵۵ تصویب گردیده و در ۱۹۵۶ اصلاح شده است که مقررات عمده آن توسط بیست و شش ایالت و ناحیه کلمبیا

1- Federal Arbitration Act (FAA).

2- United States Arbitration Act.

3- The Convention on the Recognition and Enforcement of foreign Arbitral Awards ( New York 1958).

4- Uniform Arbitration Act (UAA).

تصویب گردیده است. چهارده ایالت و ایالت پورتوریکو<sup>(۱)</sup> قوانینی دارند که به داوری اختلافات آتی مربوط می‌شوند، ولی بر اساس قانون داوری متحد الشکل طراحی نشده است. قوانین نه ایالت فقط به ارجاع اختلافات موجود به داوری مربوط می‌شود. ولی قوانین اکثر ایالتها با آنکه در بعضی مقررات متفاوت هستند عموماً از همان اصول مشابه در مقررات قانون داوری فدرال پیروی کرده‌اند. اصول موسعی که در این مقاله ذکر شده، اصولی است که عموماً در اکثر پرونده‌ها اعم از اینکه مشمول قانون فدرال یسا قانون ایالتی باشد، قابل اعمال هستند. قانون داوری فدرال معمولاً در داوری که به معاملات بین‌المللی و دریایی مربوط می‌شود و نیز معاملات بین طرفین در ایالت‌های مختلف ایالات متحده اعمال می‌گردد. در سایر پرونده‌ها معمولاً قانون داوری ایالتی که داوری در آنجا انجام می‌شود، قابل اعمال است. ولی در هر پرونده خاص، طرفین باید بررسی کنند که آیا قانون داوری ایالت خاصی قابل اعمال است یا خیر و در آن صورت باید همان قانون را ملحوظ دارند. این موضوع حتی هنگامی که پرونده در نزد دادگاه فدرال مطرح باشد مهم است. به دلیل دکتربینی که مقرر می‌دارد که دادگاه فدرال در بسیاری از موارد باید راجع به برخی از مسائل مربوط به داوری بر اساس قوانین ایالتی که دادگاه فدرال در آن واقع شده است، تصمیم‌گیری کند.

## ۲- رویه کاری

داوری در ایالات متحده بطور گسترده در اختلافات تجاری منجمله اختلافات مربوط به اجرای قراردادهای، کیفیت کالا و اختلافات گوناگون دیگر بکار برده می‌شود. نهاد داوری اصلی در ایالات متحده، انجمن داوری آمریکا<sup>(۲)</sup> است که در ۱۹۲۶ در پاسخ به نیاز تأسیس یک نهاد داوری که قادر به حل و فصل انواع پرونده‌ها در همه بخش‌های ایالات متحده باشد، بنا نهاده شده است. در آن زمان و اکنون سازمان‌های آمریکایی دیگری وجود دارند که در تجارت‌های خاصی داوری انجام می‌دهند. ولی انجمن داوری آمریکا تنها سازمانی در ایالات متحده است که کار آن به تجارت خاص، یا منطقه جغرافیایی یا نوع دعوی محدود نمی‌شود. انجمن مزبور سازمانی مستقل، غیر

1- Perto Rico.

2- American Arbitration Assovation (AAA).

دولتی و غیر انتفاعی است. هیأت مدیره‌ای که طیف گسترده‌ای از صنایع، حرف و گروه‌های اجتماعی در سراسر ایالات متحده انتخاب می‌شوند، مدیریت این انجمن را بعهده دارد و توسط کارکنان حرفه‌ای تمام وقت و متخصص در آیین داوری و قانون اداره می‌شود. در طول هفتاد سال از زمان تأسیس آن تاکنون، انجمن داوری آمریکا بقدری توسعه پیدا کرده است که اگر از نظر تعداد پرونده‌های رسیدگی شده، دفاتر تأسیس شده، پرسنل استخدام شده و مبالغ هزینه شده سنجیده شود، بزرگترین نهاد داوری در ایالات متحده و احتمالاً در دنیا است. بدین ترتیب در ۱۹۸۲ انجمن داوری آمریکا دفتر مرکزی و دفتر منطقه‌ای در شهر نیویورک، و دفاتر منطقه‌ای در بیست و چهار شهر اصلی در سراسر ایالات متحده تأسیس نموده که حدوداً ۴۳۰ کارمند تمام وقت دارد. بیش از ۶۰۰۰۰ نفر در هیأت داوران آن لیست شده است، منجمله اشخاصی که برای رسیدگی به طیف وسیعی از پرونده‌هایی که در ارتباط با تجارتها و صنایع مختلف مطرح می‌شوند، در دسترس هستند. حجم پرونده انجمن طی ده سال گذشته به شدت افزایش داشته است. انجمن در ۱۹۸۲ حدوداً با ۴۰۰۰۰ فقره پرونده از همه نوع آغاز بکار کرد. عمده این پرونده‌ها را پرونده‌های داخلی تشکیل می‌داد، ولی تعدادی از آنها پرونده‌های تجاری بین المللی نیز بوده است.

اکثر پرونده‌های تجاری بین المللی توسط انجمن داوری آمریکا و بر طبق قواعد داوری تجاری آن رسیدگی می‌شوند. بعلاوه انجمن قواعد ویژه‌ای دارد برای دعاوی مربوط به صنعت نساجی، صنعت ساختمان سازی، تجارت ادویه و غلات، پرونده‌های ناشی از حوادث رانندگی، اختلافات کارگری و برخی از انواع اختلافات دیگر که مستلزم آیین‌های طراحی شده ویژه هستند. تمام قواعد انجمن معمولاً اصول و آیین‌های مشابهی را مقرر می‌دارند. برای سهولت کار در این مقاله کلیه ارجاعات به قواعد داوری تجاری انجمن داده خواهد شد، زیرا قواعد مزبور معمولاً در طیف وسیعی از معاملات تجاری اعمال می‌شود.

انجمن داوری آمریکا برای رسیدگی به پرونده‌های بین المللی، قواعد داوری

آنستیرال<sup>(۱)</sup> را نیز پیشنهاد می‌کند. در این رابطه انجمن «آیین‌هایی برای پرونده‌هایی که بر اساس قواعد داوری آنستیرال رسیدگی می‌شوند» منتشر کرده است. برای تسهیل پرونده‌هایی که طرفین توافق کرده‌اند که بر طبق قواعد داوری آنستیرال رسیدگی شوند، انجمن وظایف مقام ناصب را نیز انجام می‌دهد، مشروط به اینکه طرفین اینگونه توافق کرده باشد. در پرونده‌هایی که مطابق قواعد داوری آنستیرال رسیدگی می‌شوند، انجمن هنگامی که توسط طرفین یا دیوان داوری درخواست شود، خدمات اداری گوناگونی نظیر کمک در تنظیم جلسات استماع و ارسال مکاتبات بین طرفین، تعیین اتاقهای جلسه، ترجمه و تفسیر، تندنویسی و سایر خدمات را نیز فراهم خواهد کرد.

برای سهولت، پرونده‌هایی که تحت قواعد داوری تجاری انجمن رسیدگی می‌شوند، انجمن «آیین‌های تکمیلی داوری تجاری بین المللی<sup>(۲)</sup>» منتشر کرده است. این آیین‌های تکمیلی حاوی مقرراتی است که انجمن برای کمک به رفع مسائل شکلی منحصر بفردی که ممکن است در پرونده‌های متضمن طرفین با ملیت‌های مختلف بروز کند، اعمال می‌نماید.

### موافقت نامه داوری

#### ۱- شکل موافقت نامه

موافقت نامه داوری تقریباً همیشه مکتوب است. چنانچه طرفین و داوران تمایل داشته باشند که بدون موافقت نامه کتبی به کار ادامه دهند، داوری می‌تواند بر اساس توافق شفاهی انجام گیرد. ولی رأی آن معمولاً در دادگاه غیر قابل اجرا است، مگر اینکه توافق به داوری مکتوب باشد. این شرط که موافقت نامه داوری باید مکتوب باشد، توسط دادگاهها بطور موسع تفسیر شده است و لازم نیست که موافقت نامه کتبی به شکل خاصی تنظیم گردیده یا امضا شده باشد.

1- Arbitration Rules of the United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL)

2- Supplement Procedures for International Commercial Arbitration.

ارجاعات به داوری از طریق تبادل نامه یا تلگراف، یا حتی به اشکال دیگری که طرفین بر آن اساس عمل کنند، مدرک کافی برای بیان اراده طرفین در مراجعه به داوری تلقی می‌شوند، حتی اگر حاوی امضای طرفین نباشد.

توافق به داوری می‌تواند ناظر به اختلافات آتی بوده که ممکن است ناشی از قرارداد یا موافقت نامه‌ای باشد، یا اختلافاتی که قبلاً بوجود آمده است. قانون داوری فدرال و اکثر قوانین داوری ایالتی به هر دو توافق به داوری «اختلافی که بعداً بروز می‌کند» و توافق «ارجاع به داوری اختلاف فعلی» عطف می‌شود و هر دو نوع توافق یکسان تلقی می‌شود. همچنین قواعد انجمن داوری آمریکا حاوی مقررات مشابهی در رسیدگی به هر دو نوع پرونده مذکور می‌باشد.

باید توجه کرد که فقط نه (۹) ایالت توافق به داوری در مورد اختلافات موجود را اجرا می‌کنند، ولی این محدودیت احتمالاً تأثیر زیادی بر معاملات بین المللی ندارد، زیرا اکثر این اختلافات مشمول قانون فدرال است.

انجمن داوری آمریکا شرط زیر را برای درج در قراردادهای تجاری و برای پیش بینی داوری اختلافات آتی طبق قواعد انجمن، توصیه می‌کند:

« هر گونه اختلاف یا ادعای ناشی از یا مربوط به این قرارداد، یا نقض آن باید از طریق داوری و بر اساس قواعد داوری تجاری انجمن داوری آمریکا حل و فصل شود، و حکم دادگاه صلاحیتدار که مبتنی بر رأی صادره توسط داور (داوران) است، می‌تواند صادر شود.»

انجمن شرط ذیل را برای داوری اختلافات فعلی و موجود تحت قواعد انجمن در مواردی که قرارداد مورد نظر شامل شرط داوری نبوده است:

« ما، امضا کنندگان زیر بدینوسیله توافق می‌نمائیم که طبق قواعد داوری تجاری انجمن داوری آمریکا اختلاف ذیل را به داوری ارجاع کنیم: همچنین توافق می‌نمائیم که اختلاف مذکور را به (یک) یا (سه) داوری که از سوی هیأت داوران انجمن انتخاب شده‌اند، ارجاع کنیم. ما توافق می‌نمائیم که دقیقاً این موافقت نامه و قواعد را مراعات کنیم و رأی صادره توسط داور (داوران) را می‌پذیریم و اجرا می‌کنیم و حکم دادگاه

### صلاحیت‌دار بر اساس رأی داوری را اجرا می‌نمائیم.»

شرط داوری انجمن داوری آمریکا مشابه شرایطی هستند که در شرط داوری در بسیاری از کشورهای دیگر بکار می‌رود، به استثنای درج کلمات «حکم هر دادگاه صلاحیت‌دار بر اساس رأی صادره توسط داور (داوران) می‌تواند وارد و اجرا شود». این کلمات بعنوان مقررات «اجرا حکم» شناخته شده‌اند بر کلمات مشابهی در قانون داوری فدرال استوار هستند و معقول تلقی شده‌اند و برای روشن ساختن قصد طرفین مبنی بر اینکه رأی قابل اجرا است. همچنین بدلیل تصمیمات سابق دادگاه فدرال در پرونده‌های داخلی که از اجرای رأی به این دلیل که قرارداد شامل مقررات اجرا حکم نبوده، خودداری شده است.

بهر حال در موارد بعدی، قانون موسع‌تر تفسیر و تعبیر شده و تأیید کرده‌اند که بدون درج عبارت خاص مقررات «اجرای حکم»، قصد ضروری طرفین (از مراجعه به داوری) آن است که رأی اجرا شود. بعلاوه اصلاح قانون داوری فدرال در ۱۹۷۰ که به پرونده‌های مشمول کنوانسیون ملل متحد مربوط می‌شود، شامل واژه‌هایی که اساساً مقررات «اجرا حکم» بر آن استوار باشد، نیست. بموجب این تحولات و با توجه به گرایش قوی در تصمیمات اخیر دادگاه به اجرای داوری در تجارت بین الملل، اکنون نظر بر این است که مقررات «اجرا حکم» در قراردادهای بین المللی که داوری قطعی و الزام‌آور را پیش بینی کرده‌اند، لازم نیست. به دلائل فوق بود که نماینده ایالات متحده در کمیسیون ملل متحد راجع به حقوق تجارت بین الملل (آنستیرال) توصیه کرد که لازم نیست که مقررات «اجرا حکم» در شرط داوری نمونه که در قواعد داوری آنستیرال مقرر شده است، درج گردد. بویژه این کلمات ممکن است موجب اشتباه دادگاهها در کشورهای دیگر که به اصطلاحات آمریکا یعنی «اجراء حکم» آشنایی ندارند، شود همچنین ممکن است بعضی‌ها چنین کلماتی را به عنوان اجازه دادگاه در صدور حکم مستقل راجع به اصطلاح رأی مورد سوء تعبیر قرار دهند.

مضافاً انجمن داوری شرایطی را برای درج در قراردادهایی که طرفین توافق می‌کنند تا داوری اختلافات آتی‌شان بر اساس قواعد داوری آنستیرال انجام شود، را توصیه کرده است. یکی از شرایط توصیه شده برای طرفینی است که می‌خواهند انجمن



داوری بعنوان مقام ناصب و نیز فراهم کننده خدمات اداری عمل نماید. سایر شرایط برای طرفی است که می خواهد از انجمن داوری بعنوان مقام ناصب استفاده کند، بدون اینکه خدمات اداری ارائه دهد. شرایط مزبور به شرح ذیل هستند:

استفاده از انجمن بعنوان مقام ناصب و مدیر. طرفینی که به داوری مطابق قواعد داوری آنستیرال توافق می کنند، و اگر بخواهند انجمن بعنوان مقام ناصب و ارائه دهنده خدمات اداری عمل کند می توانند شرایط ذیل را بکار ببرند:

«هرگونه اختلاف، دعوی یا ادعایی که ناشی شود یا مربوط گردد به این قرارداد، یا نقض، فسخ یا عدم اعتبار آن باید از طریق داوری و بر اساس قواعد داوری آنستیرال از تاریخ لازم الاجرا شدن آن حل و فصل گردد.

«مقام ناصب، انجمن داوری آمریکا خواهد بود.

«پرونده باید توسط انجمن و بر اساس «آیین رسیدگی به پرونده‌ها طبق قواعد داوری آنستیرال» آن رسیدگی شود.»  
توجه: طرفین در صورت تمایل می توانند موارد ذیل را اضافه کنند:

«الف) تعداد داوران باید... (یک یا سه) داور باشد.

«ب) مقرّ داوری باید...»

«ج) زبان (زبانهای) که در رسیدگی داوری بکار می رود، باید...»  
بکارگیری انجمن بعنوان مقام ناصب، بدون ارائه خدمات اداری. طرفینی که به داوری مطابق قواعد داوری آنستیرال توافق می کنند و می خواهند انجمن بعنوان مقام ناصب عمل کند می توانند شرط زیر را بکار ببرند:

«هرگونه اختلاف، دعوی یا ادعایی که ناشی می شود یا مربوط می گردد به این قرارداد، یا نقض، فسخ، یا عدم اعتبار آن باید از طریق داوری و بر اساس قواعد داوری آنستیرال از تاریخ لازم الاجرا شدن آن

حل و فصل گردد.

مقام ناصب، انجمن داوری آمریکا خواهد بود.»

توجه: طرفین در صورت تمایل می‌توانند موارد ذیل را اضافه کنند:

«الف) تعداد داوران باید... (یک یا سه) داور باشد.

ب) مقرّ داوری باید...

ج) زبان (زبانهای) که در رسیدگی داوری بکار می‌رود، باید...»

اکثر شرایط داوری بر توافق طرفین استوار است. ولی شرایط محدودی وجود

دارد که در آن قانون ایالتی، داوری بعضی از انواع اختلاف را پیش بینی کرده است. برای

مثال بعضی از قوانین ایالتی، داوری در دعاوی مالی کوچک را طبق سیستمهای داوری

که توسط دادگاه انجام می‌شود مقرر داشته‌اند.

قوانین ایالتی دیگر داوری برخی از اختلافات بین پزشکان و بیماران آنها را

پیش بینی کرده‌اند و بعضی از قوانین ایالتی داوری انواع محدود اختلافات با شرکتهای

بیمه مربوط به حوادث رانندگی را مقرر داشته‌اند. این قوانین داوری اصولاً به انواع

معاملات کوچک مربوط می‌شود که معمولاً در تجارت بین المللی متداول نیست.

## ۲- طرفین توافق نامه

هر شخص حقیقی یا حقوقی که بتواند قرارداد منعقد کند، نیز می‌تواند طرف

موافقت نامه داوری باشد. این موضوع در رابطه با اشخاصی که تبعه ایالات متحده یا

مقیم در آن کشور نیستند، مصداق دارد. قانون داوری فدرال و اکثر قوانین ایالتی و

قواعد انجمن داوری آمریکا محدودیتی راجع به اینکه چه کسی می‌تواند طرف داوری

باشد، ندارد. هنگامی که کودکی طرف داوری است، در بعضی از ایالتها تحصیل اجازه از

دادگاه برای داوری لازم است، و این اجازه تقریباً همیشه داده می‌شود.

هنگامی که دولتها یا مؤسسات دولتی برای اختلافات تجاری، موافقت نامه‌های

داوری منعقد می‌کنند، عموماً دادگاهها در ایالات متحده اعتراض به داوری بر اساس

ایراد مصونیت دولت را تایید نمی‌کنند. معذک باید توجه کرد که اختیار سازمانها و

مؤسسات دولتی فدرال و برخی از ایالتها و مؤسسات داخلی در انعقاد موافقت نامه‌های

داوری راجع به اختلافات آتی شامل همه موارد نمی‌شود و محدود به وضعیت‌هایی

است که توسط قانون قابل اعمال اجازه داده شده باشد. در مواردی که دولتهای خارجی با طرفین آمریکایی قراردادهای تجاری با پیش بینی داوری اختلاف منعقد کرده باشند، دادگاهها در ایالات متحده عموماً نظر دادند که چنین قراردادهایی ماهیتاً معاملات تجاری هستند و دولت خارجی نمی تواند به دلیل مصونیت دولت از داوری اجتناب ورزد. دولتهای پنجاه ایالت ایالات متحده و شهرهایی که در محدوده آن کشور هستند اجازه ندارند به دلیل مصونیت، از موافقت نامه داوری شانه خالی کنند.

### ۳- قلمرو داوران - قابلیت داوری

قانون ایالات متحده آزادی اساسی طرفین را در انعقاد هر نوع قرارداد تجاری که آنها بخواهند، برسمیت شناخته است. این آزادی در انعقاد قرارداد شامل اختیار توافق به داوری در طیف وسیعی از اختلافات نیز می گردد. بنابراین برای مثال، قانون داوری متحد الشکل مقرر میدارد که «قرارداد کتبی در ارجاع به داوری هر گونه اختلافی که بعداً بین طرفین بروز می کند، معتبر، قابل اجرا و غیر قابل فسخ است.» همچنین قانون داوری فدرال راجع به موضوعاتی که می توانند به داوری ارجاع می شوند، محدودیتی ندارد. تنها استثناء وارد بر این اصل این است در مواردی که به موجب قانون یا نظم عمومی، همانگونه که در پایین بحث شده، ممنوع شده است، نمی توان از داوری استفاده نمود.

در بررسی اختیارات داوران از نقطه نظر حقوق تطبیقی، باید به تفاوتی که بین قانون ایالات متحده و قوانین تعدادی از کشورهای دیگر وجود دارد، توجه کرد. طبق قوانین بسیاری از کشورها اختیارات داوران نمی تواند وسیع تر از اختیارات دادگاهها باشد. برعکس در ایالات متحده نظر غالب این است موضوعاتی که می توانند به داوری ارجاع شوند نه فقط شامل موضوعاتی هستند که به دادگاهها ارجاع می گردند، بلکه شامل موضوعاتی که دادگاهها صلاحیت رسیدگی آنها را ندارند نیز می شود (یعنی موضوعاتی که قابل رسیدگی قضائی نیستند). برای مثال قانون داوری نیویورک شامل مقرراتی است که موافقت نامه داوری «صرفنظر از قابل رسیدگی بودن آن قابل اجرا است...» قانون داوری فدرال و قوانین ایالتی مختلف نیز توسط دادگاهها به گونه ای تفسیر شده اند که گویی این عبارات را در بر دارند.

### الف. پرکردن «خلأها»

اختیارات وسیعی که قانون ایالات متحده به داوران برای حل و فصل دعاوی متنوعی اعطا کرده است، شامل اختیار پرکردن «خلأها» در قرارداد در مواردی مقرر شده باشد که داوران چنین اختیاری دارند نیز می‌شود. اختیار پرکردن خلأها انواع زیادی از خلأها را در بر می‌گیرد. برای مثال، چنانچه طرفین قراردادی آگاهانه و عمداً توافق خاصی راجع به برخی از نکات ویژه را به تعویق بیندازند، زیرا هنوز اطلاعات کافی برای درج دقیق همه شرایط اقتصادی، فنی یا سیاسی تغییراتی بوجود آمده ولی قرارداد شامل مقررات خاصی که مربوط شود به دشواری ناشی از چنین حوادثی نیست، نیز خلأ قرارداد وجود دارد. غیر معمول نیست که طرفین در قرارداد خود مقرر دارند که چنانچه یکی از انواع خلأها بوجود آید و آنها راجع به حل آن به توافق نرسند، اختلاف باید از طریق داوری حل و فصل شود. در چنین شرایطی داوران اختیار پرکردن خلأ را دارند. واژه‌ها یا عبارات خاصی وجود ندارند که برای اجازه دادن داوران در پرکردن خلأها بکار برده شوند. کلاً آنچه که ضروری می‌باشد این است که قصد طرفین باید از قرارداد روشن باشد.

### ب. حق الاختراع<sup>(۱)</sup>

گسترش عمده قلمرو داوران طبق قانون ایالات متحده در فوریه ۱۹۸۳ صورت گرفت، یعنی هنگامی که قانون فدرال جدید اجرا شد و به طرفین اجازه داد تا برای داوری هر گونه اختلاف آتی یا فعلی مربوط به اعتبار یا نقض «حق الاختراع» توافق کنند. پیش از آن تصمیمات دادگاهها مقرر داشتند که این قبیل اختلافات قابل داوری نیستند، گرچه اختلافات ناشی از قراردادهای مربوط به «حق الاختراع» مانند اختلافات راجع به تفسیر و اجرای مقررات موافقت نامه‌های حق الامتیاز قابل داوری هستند. قانون جدیدی که به شکل اصلاحیه قانون حق الاختراع فدرال است، مقرر میدارد که بر داوری مربوط به حق الاختراع و اجرای آرا در چنین پرونده‌هایی قانون

۱- "Patent" منظور از پاتنت حق ناشی از اختراعات، ابداعات و دیگر حقوق مادی و معنوی حاصله از فکر، طرح، عمل بدیع و

بی‌سابقه است که ثبت نشده باشد (مترجم).

داوری فدرال حاکم است. قانون جدید صراحتاً اعلام می‌دارد که آرا در پرونده‌های حق الاختراع فقط بر طرفین داوری الزام آور است و اثری یا الزامی نسبت به طرف دیگر ندارد. بدین ترتیب طرف دیگری که برای داوری مسائل مربوط به اعتبار یا نقض حق الاختراع ویژه‌ای توافق نکرده است، می‌تواند آن موضوع را در دادگاهها مطرح کند.

مقررات جدید قانون حق الاختراع برسمیت می‌شناسد که بعضی از صاحبان، اجازه و لیسانس‌ها همان حق الاختراع را به تعدادی از طرفهای مختلف اعطا کنند و ممکن است که برخی از لیسانس‌ها شامل موافقت نامه‌های داوری باشند، در حالیکه بعضی از آنها حاوی موافقت نامه‌های داوری نباشند. در چنین شرایطی حق الاختراع ممکن است در داوری متضمن یکی از لیسانس‌ها غیر معتبر یا غیر قابل اجرا شناخته شود و همان حق الاختراع ممکن است در اختلاف حاوی موافقت نامه لیسانس دیگری که شامل موافقت نامه داوری نیست، دادگاه آن را معتبر بشناسد.

برای تسهیل راه حل عملی در مسائل تجاری که ممکن است از تعارض آرا داوری و تصمیمات دادگاهها در مورد حق الاختراع مشابه ناشی شود، قانون جدید اجازه می‌دهد - بدون اینکه الزام نماید - که طرفین توافق کنند در مواردی که در رأی داوری حق الاختراعی معتبر تلقی شود ولی حق الاختراع بعداً در حکم نهائی دادگاه در مواردی که موافقت نامه داوری وجود ندارد بعنوان حق الاختراع غیر معتبر یا غیر قابل اجرا شناخته شود، هر طرف داوری می‌تواند از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند تا رأی داوری اصلاح شود و چنین اصلاحی بر حقوق طرفین از تاریخ اصلاح ناظر است. باید توجه کرد که این حق اصلاح فقط در شرایط محدودی وجود دارد و متضمن حق تجدید نظرخواهی از دادگاه برای لغو رأی داوری نیست.

#### ج- آنتی تراست و سایر استثنائات

همچون سایر کشورها در ایالات متحده اختلافات مربوط به اعمال قوانین آنتی تراست. عموماً قابل رجوع به داوری نیستند. ولی در احکام توافقی دادگاهها مقرر شده که برخی از اختلافات ناشی از دستورات احکام مربوط به «آنتی تراست» از طریق داوری حل و فصل خواهد شد.

اختلافات موضوع قوانین فدرال در مورد فروش سهام و وثیقه‌های شرکت‌های

ثبت شده (یعنی قوانین و اوراق بهادار) در صلاحیت انحصاری دادگاههای فدرال می‌باشند و بنابراین قابل داوری نیستند. ولی این ممنوعیت ارجاع به داوری در پرونده‌های بین المللی فروش اوراق بهادار در مواردی که قرارداد حاوی موافقت‌نامه داوری نیز می‌باشد، اجرا نشده است. این مثال‌ها نشان می‌دهد حتی در مواردی که موضوعی می‌بایست از قلمرو داوری مستثنی گردد، بعضی از جنبه‌های آن قابل داوری می‌باشد. بعلاوه هنگامی که پرونده‌ای شامل نوعی از اختلاف است که داوری نسبت به آن ممنوع شده و در عین حال متضمن اختلافاتی بوده که موضوع داوری است، دادگاهها دقیقاً بین دو نوع اختلاف در مواردی که ممکن باشد، قائل به تفکیک شده، و داوری را در کلیه موضوعات بجز موضوعاتی که به دلایل خاص ممنوع گردیده است، اجرا می‌کنند.

#### د- ورشکستگی

اگر یکی از طرفین قرارداد ورشکسته شود این مسأله که آیا اختلافات ناشی از قرارداد مشمول داوری هستند یا نه به تعدادی عوامل متغیر بستگی دارد، منجمله اینکه آیا اختلاف قبل یا بعد از ورشکستگی بوجود آمده، کدام طرف در صدد توسل به داوری است و سایر عوامل. در محدوده قلمرو این مقاله نیست که تا همه این عوامل مورد بررسی قرار گیرند، و هر پرونده‌ای که مطرح می‌شود باید در پرتو وقایع خاص تجزیه و تحلیل شود. واقعیت این است که تعدادی از انواع پرونده‌ها وجود دارند که حتی اگر ورشکستگی هم اتفاق افتاده باشد، قابل داوری است.

#### ه- اختلافات بین سهامداران یا شرکاء

رویه معمول در ایالات متحده این است که سهامداران شرکتها بویژه شرکتها با سهامداران کم، توافق می‌کنند که اختلافات بر سر اینکه امور شرکت چگونه باید اداره شود، به داوری ارجاع گردد. چنین موافقت‌نامه‌های داوری عموماً قابل اجرا هستند و تحت شرایط مناسب، شامل اختیار داوران در انحلال شرکت، یعنی اختتام وجود آن بعنوان یک موجودیت حقوقی است. همچنین موافقت‌نامه‌های بین شرکا در شرکت تضامنی می‌تواند برای حل و فصل اختلافات بر سر اینکه چگونه امور شراکت باید انجام شود و یا چگونه آن باید منحل گردد، حاوی شرط داوری باشد.

### ۹- استقلال موافقت نامه داوری از قرارداد اصلی

در پرونده هایی که در دادگاههای فدرال مطرح می‌شوند، بعنوان نظریه حقوقی موافقت نامه داوری مستقل از بقیه موافقت نامه تجاری که در آن درج شده است، تلقی می‌گردد. بنابراین، چنانچه یکی از طرفین ادعا کند که قرارداد اصلی که شامل شرط داوری وسیع است، غیر معتبر می‌باشد، به این دلیل که با تقلب یا به دلائل مشابه منعقد شده، چنین موضوعی باید توسط داوران و نه دادگاه اتخاذ تصمیم شود. این اصل توسط دیوان عالی ایالات متحده در یک پرونده مشهور بوجود آمده است و در آن اینگونه نظر داد:

«بجز در مواردی که طرفین بنحو دیگری قصد کرده باشند، شرط داوری بعنوان موضوعی که مشمول قانون فدرال بوده از قراردادهایی که مبنای داوری هستند، «قابل تفکیک» است و در جایی که هیچ ادعایی وجود ندارد که تقلب خود به شرط داوری منتهی شده، شرط وسیع داوری شامل ادعایی که قرارداد با تقلب منعقد شده نیز می‌باشد.»<sup>(۱)</sup>

شرط داوری توصیه شده از سوی انجمن داوری آمریکا، توسط دیوان عالی نیز در پرونده مزبور حکم داده شده و آن عبارت است «شرط داوری وسیع» که بیان کننده قصد طرفین است که داور اختیار دارد تصمیم بگیرد که آیا قرارداد معتبر است یا نه. شرایط داوری نمونه که برای پرونده‌های تحت قواعد داوری آنستیرال توصیه شده‌اند نیز بحد کافی وسیع هستند که به نتیجه یکسان برسند. ولی باید توجه کرد که اگر ادعا شود که خود شرط داوری بر اساس تقلب یا بنحو غیر معتبری حاصل شده است که به انعقاد موافقت نامه داوری مربوط می‌شود، این موضوع توسط دادگاه و نه داوران اتخاذ تصمیم می‌گردد.

قوانین ایالت‌های مختلف تا حدودی مانند نیویورک «دکترین استقلال» موافقت نامه داوری را اعمال می‌کنند و ایالت‌های دیگر معتقدند که شرط داوری و بقیه قرارداد، قسمت‌های تفکیک نشدنی موافقت نامه هستند. ولی همانگونه که گفته شد بر اکثر

پرونده‌های بین‌المللی که قانون فدرال ناظر است، دکترین استقلال اعمال می‌شود. بنابراین بمنظور این فصل ضروری نیست قانون در ایالت‌هایی که دکترین استقلال را تصویب نکرده‌اند، مورد بررسی قرار گیرد.

پرونده مذکور در بالا نه فقط به این دلیل مهم است که دکترین استقلال را در سطح فدرال بوجود آورده، بلکه در انجام این کار دیوان عالی یکبار دیگر بر سیاست ملی قوی در حمایت از داوری تجاری تاکید کرده است. بدین ترتیب، دیوان عالی اعلام داشت که «به مقصود خالی از اشتباه و واضح کنگره احترام می‌گذارد که آیین داوری، هنگامی که توسط طرفین قرارداد انتخاب شد، باید سریع عمل شود و در معرض تأخیر و بلا تکلیفی در دادگاهها قرار نگیرد.»

#### ۵- اثر موافقت نامه داوری

در صورتی که یکی از طرفین با توجه به هر اختلافی که مشمول موافقت نامه داوری است در دادگاه تحت تعقیب قرار گیرد، بنا به درخواست طرف دیگر دادگاه باید دعوی را متوقف کند بطوری که داوری بتواند بر اساس شرایط موافقت نامه انجام شود. تنها مسأله‌ای که نزد دادگاه در تصمیم‌گیری راجع به چنین مسأله‌ای وجود دارد، این است که آیا موضوع دعوی مشمول موافقت نامه داوری است یا نه. همچنین در مواردی که موافقت نامه داوری وجود دارد، چنانچه یکطرف از داوری امتناع ورزد، طرف دیگر می‌تواند از دادگاه درخواست کند دستوری صادر نماید تا داوری به روش پیش بینی شده در موافقت نامه، آغاز شود. طبق قانون فدرال و قوانین بسیاری از ایالتها که موافقت نامه‌های داوری اختلافات آتی و فعلی را برسمیت شناخته‌اند، تنها مسائلی که نزد دادگاه وجود دارند این است که آیا موافقت نامه داوری معتبر بوده و یا اینکه یکی از طرفین در داوری حاضر نشده است. در معدودی از ایالتها که فقط موافقت نامه‌های داوری اختلاف فعلی و آتی را برسمیت شناخته‌اند، هر یک از طرفین می‌تواند در هر زمان قبل از تحویل رأی به موافقت نامه داوری استناد نماید.



## فصل سوم - داوران

### ۱- شرایط داوران

قوانین داوری ایالات متحده شامل مقررات ویژه‌ای که شرایط داوران را توصیف کند، نیست. ولی یکی از دلایل لغو رأی داوری فقدان بی طرفی داور است. دادگاهها در سلسله پرونده‌های طولانی شرایطی را تعریف کرده‌اند که مؤید بی طرفی (داور) است و بنابراین مبنایی برای سلب صلاحیت داور هستند. این شرایط شامل روابط نزدیک خانوادگی، روابط مهم تجاری یا شغلی گذشته یا حال و منفعت مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه دعوی می‌باشد.

موضوعی که در رابطه تنگاتنگ شرایط داوران قرار می‌گیرد، عبارت است از وظیفه اشخاصی که بعنوان داور بی طرف منصوب می‌شود باید «کلیه شرایطی»<sup>(۱)</sup> را که ممکن است بی طرفی او را خدشه دار کند منجمله هر گونه منافع مالی یا شخصی در نتیجه داوری یا هر گونه رابطه‌ای در گذشته یا حال با طرفین یا وکلای آنها را فاش کند. چنانچه پس از افشا، یکی از طرفین به داور اعتراض نکند و داوری آغاز شود، دادگاهها نظر داده‌اند که حق ایراد بعدی به شرایط داور ساقط شده تلقی خواهد شد.

اصول مربوط به شرایط داوران در خصوص همه داورانی که بعنوان داوری بی طرف منصوب می‌شوند، اعمال می‌گردد، اعم از اینکه توسط طرفین یا از سوی شخص یا نهاد مستقلی منصوب شوند. ولی باید توجه کرد که در ایالات متحده بعضی سیستمهای سه داوری وجود دارند که بر اساس آن هر یک از طرفین یک نفر داور را که لازم نیست بیطرف باشد، منصوب می‌کند و آنگاه این دو داور هستند که، داور بی طرف را منصوب می‌نمایند. و در صورتی که این دو داور به توافق نرسند، داور بی طرف از سوی شخص یا نهاد مستقلی منصوب می‌گردد. انجمن داوری آمریکا و بسیاری از متخصصان داوری با اعمال چنین روشی مخالفت کرده و بجای آن انتصاب داوری را توصیه می‌کنند که بر اساس آن همه داوران منجمله داوران منصوب شده از سوی طرفین که بی طرف هستند و همان ضوابط عالی بی طرف را دارا می‌باشند. بهر حال اصل آزادی

1- Commonwealth Coatings Corp. v. Continental Casualty Co. (1968) 393 US, 145.

قرارداد که به طرفین اجازه می‌دهد تا آنها هر نوع داوری را که می‌خواهند انتخاب کنند، سیستم‌های سه داوری را مجاز می‌دارد که بر اساس آن داوران منصوب از سوی طرفین بجای بی طرف بودن، طرفدار هستند. چنین آیینی توسط دادگاهها پذیرفته می‌شود منوط به اینکه همان آیینی باشد که طرفین انتخاب کرده‌اند در ۱۹۷۷، انجمن داوری و کانون وکلای آمریکا معتقد بودند که منافع جامعه ایجاب می‌کند که ضوابط رفتار اخلاقی که مقبولیت عام دارد برای رهنمود داوران و طرفین تحت عنوان «مجموعه قوانین اخلاقی داوران در اختلاف تجاری» مقرر شود.

همانگونه که در مقدمه این مجموعه آمده است:

«موافقت نامه‌های طرفین، قواعد داوری که طرفین به آن توافق کرده‌اند، یا قانون قابل اعمال می‌تواند بر جنبه‌های مختلف رفتار داوران منجمله برخی از موضوعات مشمول این مجموعه قوانین ناظر باشد. این مجموعه جای هیچ یک از موافقت‌ها، قواعد و قوانین را نمی‌گیرد و جایگزین آنها نمی‌شود و دلایل اضافی یا جدیدی برای تجدید نظر آرای داوری بوجود نمی‌آورد.»

هدف از مجموعه قوانین مزبور ارائه رهنمودهای اخلاقی است، ولی بخشی از قواعد داوری انجمن داوری آمریکا را تشکیل نمی‌دهد. گرچه این مجموعه توسط انجمن داوری و کانون وکلای آمریکا بوجود آمده است، ولی کاربرد آن فقط به پرونده‌های انجمن داوری یا در مواردی که داوران حقوقدان هستند محدود نمی‌گردد، بلکه هدف آن است که در خصوص کلیه داوران تجاری قابل اعمال باشد.

مجموعه مذکور منجمله رهنمودهایی را برای داوران مشمول چنین موضوعاتی مقرر می‌دارد مانند ۱- افشای منافع و روابطی که ممکن است بی طرفی را خدشه دار کند یا شکل تعصب و طرفداری بخود گیرد؛ ۲- مکاتبات با طرفین؛ ۳- انجام رسیدگی مستقل، منصفانه و مجدانه ۴- رسیدگی محرمانه. این مجموعه شامل بخشی است راجع به ملاحظات اخلاقی ویژه که به انتصاب داوران مربوط می‌شود. شرط قانونی وجود ندارد که داوران در پرونده‌هایی که در ایالات متحده رسیدگی می‌شود. شرط قانونی وجود ندارد که داوران در پرونده‌هایی که در ایالات متحده رسیدگی می‌شوند باید

شهروند یا مقیم در ایالات متحده باشند. در پرونده‌های بین المللی اغلب داوران از کشورهای دیگر منصوب می‌شوند. برای مثال قواعد انجمن داوری آمریکا مقرر می‌دارد که چنانچه یکی از طرفین ملیت کشوری بغیر از ایالات متحده را داشته باشد، بنا به درخواست یکی از طرفین، داوران بیطرف بغیر از کشورهای متبوع منصوب شوند. به قضات شاغل در ایالات متحده معمولاً اجازه داده نمی‌شود تا بعنوان داور منصوب شوند. این قاعده عدم تمایل به داوری را نشان نمی‌دهد، و از آن جهت ایجاد شده که بیشتر دادگاهها فوق العاده گرفتار هستند و قضات را نمی‌توان به فعالیت‌های خارج از دادگاه واداشت.

### ۲- جرح داوران

نه قانون داوری فدرال و نه اکثر قوانین ایالتی شامل مقرراتی برای جرح یا برکناری داور است. دادگاهها معمولاً تمایلی به برکناری داوران قبل یا در خلال رسیدگی ندارند، گرچه اختیار ذاتی انجام این کار را دارند. عملاً اکثر بررسی شرایط داوران زمانی مطرح می‌شود که رأی صادر شده، یعنی هنگامی که یکی از طرفین در صدد لغو رأی داوری است و استدلال می‌کند داور باید سلب صلاحیت شود چون او بیطرف نبوده است.

ولی هنگامی که پرونده‌هایی طبق قواعد نهادهایی نظیر انجمن داوری آمریکا رسیدگی می‌شوند، این قواعد اغلب آیین‌هایی برای جرح داوران قبل یا در خلال رسیدگی داوری مقرر داشته است. برای مثال قواعد انجمن داوری مقرر می‌دارد شرایط صلاحیت داور جرح می‌شود، این انجمن است تصمیم می‌گیرد که آیا از داور باید سلب صلاحیت شود یا نه و تصمیم آن «قطعی خواهد بود». در صورتی که انجمن تصمیم بگیرد که داور می‌تواند به کار خود ادامه دهد و معهداً طرف اعتراض‌کننده معتقد باشد که داور جرح شده، بی طرف نیست، موضوع همچنان منوط به بررسی نهائی از سوی دادگاه است. انجمن در تصمیم‌گیری راجع به جرح داور در مواردی که مناسب باشد: «مجموعه قوانین اخلاقی داوران در اختلاف تجاری» را ملحوظ نظر قرار می‌دهد.

### ۳- تعداد داوران

قانون داوری فدرال مقرر می‌دارد که تعداد داوران همان خواهد بود که در

موافقت نامه طرفین مقرر شده است، ولی اگر موافقت نامه در این خصوص ساکت باشد یک داور خواهد بود. قانون داوری متحد الشکل ایالات متحده شامل مقرراتی در خصوص تعداد داوران نیست. در عمل معمولاً به عدد فرد داور منصوب می‌شود، گرچه قانون فدرال و نه قوانین ایالتی شامل مقرراتی در این موضوع هستند. در مواردی که به عدد زوج داور وجود دارد مثلاً دو داور و این دو داور به توافق نرسند، دادگاه دستور خواهد داد ترتیب داوری دیگری در حضور داوران مختلفی انجام گیرد و انتصاب به همان ترتیبی که در پرونده‌های جدید انجام می‌شود، خواهد بود.

قواعد انجمن داوری آمریکا مقرر می‌دارد در مواردی که موافقت نامه تعداد داوران را مشخص نکرده است، یک داور خواهد بود مگر آنکه انجمن به صلاحدید خود دستور دهد که در پرونده‌های بزرگ و پیچیده تعداد بیشتری از داوران منصوب شوند.

در مواردی که بیش از یک داور وجود دارد، تصمیمات باید با اکثریت اتخاذ شود، مگر آنکه طرفین بنحو دیگری توافق کرده باشند.

#### ۲- انتصاب داوران

قانون داوری فدرال مقرر می‌دارد که چنانچه موافقت نامه شیوه‌ای را برای انتصاب داوران تعیین نماید، همان شیوه باید اعمال گردد. ولی اگر موافقت نامه در این خصوص ساکت باشد یا هر یک از طرفین در اعمال موافقت نامه قصور ورزد، آنگاه با درخواست هر یک از طرفین دادگاه داوران را منصوب خواهد کرد. قانون شامل مقررات بیشتری نیست که آیین‌هایی را مشخص کند تا دادگاه در انتصاب داوران آنها را اعمال نماید. اکثر قوانین ایالتی مشابه هم هستند.

قواعد نهادهای مختلفی که داوری انجام می‌دهند، شیوه‌هایی را برای انتصاب داوران مقرر می‌دارند. در کلیه داوری‌های انجمن داوری آمریکا چنانچه موافقت نامه طرفین اسامی داوران را نام برده یا شیوه انتصاب آنها را مشخص کرده باشد، انجمن آن شیوه را اعمال خواهد کرد.

در پرونده‌هایی که در آنها از انجمن داوری آمریکا درخواست می‌شود تا داور منصوب کند؛ انتصاب از میان اعضای هیأت داوران صورت خواهد گرفت. این هیأتی

که شامل اسامی اشخاص در بسیاری از حِرَف و مشاغل بوده، قبلاً تنظیم می‌شود و شامل افرادی است که شهرت و زمینه‌های شغلی آنها توسط انجمن بررسی شده است. قبل از انتصاب داور، انجمن داوری آمریکا آیینی را برای مشورت با طرفین بدین منظور که داور انتخاب شده متقابلاً قابل قبول آنها می‌باشد، اعمال می‌کند.

مطابق قواعد انجمن داوری ابتدا برای هر یک از طرفین نسخه‌ای از همان لیست تنظیم شده از داوران پیشنهادی را ارسال می‌کند. لیست مزبور شامل اسامی اشخاص واجد شرایط در حل و فصل اختلاف خاص و نیز شرح حال از ارتباطات شغلی یا تجاری هر فردی است. طرفین مجازند در مدّت معینی لیست ارسالی را مورد مطالعه قرار دهند و اسامی داورانی را که آنها اعتراض دارند حذف نمایند و بقیه اسامی را بر حسب اولویت خود شماره گذاری کنند. هر یک از طرفین لیست علامت گذاری شده خود را به انجمن بر می‌گرداند و آنگاه انجمن اسامی همه اشخاصی که توسط هر یک از طرفین شده‌اند حذف می‌نماید و از میان اشخاصی که باقی مانده‌اند، شخصی که بالاترین درجه اولویت طرفین برخوردار باشد تعیین می‌شود. سپس آن شخص بعنوان داور دعوت می‌شود. چنانچه همه اسامی پیشنهاد شده توسط یکی از طرفین یا هر دوی آنها حذف شوند، یا اگر اشخاص باقیمانده قادر به داوری نباشند، انجمن می‌تواند لیست دیگری بفرستند و در این صورت همان آیین تکرار خواهد شد. چنانچه علیرغم تلاش زیاد انجمن دریافتن داور قابل قبول طرفین و طرفین هم تمام اسامی پیشنهادی را حذف کنند، انجمن بدون اینکه لیست‌های بیشتری پیشنهاد نماید، داوری منصوب خواهد کرد. ولی در هیچ موردی شخصی که نام او قبلاً توسط هر یک از طرفین حذف شده است، بعنوان داور منصوب نخواهد شد.

#### ۵- مسؤولیت مدنی داوران

قاعده کلی در ایالات متحده این است که داور مانند قاضی از مسئولیت مدنی اعمالی که به وظیفه‌اش در تصمیم‌گیری مربوط می‌شود، مصون است، حتی اگر وی بی‌دقت باشد و رأی نادرست صادر کند. این اصل در قوانین داوری دیده نمی‌شود، ولی در تصمیمات دادگاهها وجود دارد.

## فصل پنجم: آیین داورى

### ۱- مقرّ داورى

معمولاً مقرّ داورى، محلى خواهد بود که توسط طرفین توافق شده است. طبق قواعد انجمن داورى آمریکا اگر طرفین در این خصوص توافق نکرده باشند، محل داورى توسط انجمن و نه بوسیله داوران تعیین خواهد شد. قانون داورى فدرال فقط شامل یک ارجاع به مقرّ داورى است، و آن عبارت است از مقرراتی که اگر دادگاه دستوری مبنی بر اجبار به داورى صادر نماید، استماع و رسیدگی داورى در حوزه قضائى فدرال که درخواست دستور در آنجا به ثبت رسیده است انجام می‌گیرد. بسیاری از قوانین ایالتی شامل مقررات ویژه‌ای است که بر اساس آنها داوران محل استماع را مشخص خواهند کرد، مگر آنکه توسط طرفین یا قواعد قابل اعمال بنحو دیگری تعیین گردد.

هیچیک از قانون فدرال و اکثر قوانین ایالتی مقرر نمی‌دارند که کلیه جلسات استماع در یک محل تشکیل شود. قواعد انجمن داورى به داوران اجازه می‌دهد محل «هر» جلسه استماع را تعیین کند. این موضوع مؤید آنست که می‌توان جلسات استماع را برای سهولت در محل‌های مختلف تشکیل داد.

بطور کلی داوران آرای خود را در مقرّ داورى صادر می‌کنند. یکی از آثار مهمّ انتخاب مقرّ داورى این است که قانون شکلی آن محل بر داورى ناظر است.

همچنین اجرای آرای داورى طبق کنوانسیونهای بین‌المللی اغلب به مقرّ داورى بستگی دارد. حال آنکه در پرونده‌های داخلی آیین اجرا می‌تواند بنا به محلی که رأی در آنجا صادر می‌شود، متفاوت باشد.

### ۲- رسیدگی‌های داورى بطور کلی

قوانین داورى و تصمیمات دادگاه حاوی شرایط محدودی هستند که انجام داورى را تنظیم می‌کنند و این موضوعات را بیشتر به توافق طرفین یا قواعد داورى که طرفین بر مبنای آنها توافق کرده‌اند، موکول می‌سازند. در فقدان توافق طرفین یا قواعد قابل اعمال، موضوعات آیین داورى عمدتاً به صلاحدید داوران محول شده است. قانون داورى فدرال حاوی شرایطی برای آیین‌های داورى نیست، به استثنای

ضوابط شکلی که استنباط می‌شود از مقرراتی که یک رأی می‌تواند لغو شود، چنانچه داوران در به تعویق انداختن جلسه استماع که دلیل کافی برای آن ارائه شده است یا از بررسی دلائل «مهم و مربوط به» اختلاف امتناع ورزند. گرچه فرصت استماع بنحو دیگری در قانون داوری فدرال ذکر نشده، ولی عموماً اینگونه برسمیت شناخته شده است که استماع حق اساسی است که قابل انکار نیست. هر یک از طرفین می‌تواند از حق خود در استماع صرف‌نظر نماید و هنگامی که چنین چیزی صورت گرفت، داوران می‌توانند بر اساس دلائل و استدلالاتی که طرفین بصورت کتبی ارائه کرده‌اند، اتخاذ تصمیم نمایند.

بسیاری از قوانین داوری ایالتی شامل مقرراتی است که صراحتاً حق استماع را مقرر داشته و نیز حاوی شرایطی است که به ابلاغات جلسات استماع، تعویق جلسات روشهای کار در صورتی که یکی از طرفین در داوری حاضر نشود، انصراف از حق استماع و ارائه دلائل مربوط می‌شود.

اکثر قواعد داوری در ایالات متحده حاوی مقررات مفصلی است که آیین داوری بویژه لوایح و دستور رسیدگی را تنظیم می‌کند.

برای مثال قواعد انجمن داوری آمریکا برای شروع داوری مقرر می‌دارد، خواهان قصد داوری خود را که بعنوان تقاضا شناخته شده است به طرف دیگر ابلاغ می‌کند و در این خصوص نسخی در نزد انجمن به ثبت می‌رساند. در این مرحله اسنادی بجز متن شرط داوری در قرارداد لازم نیست. انجمن ابلاغ خواهان را به خواننده ارسال می‌کند و او هفت روز فرصت دارد تا پاسخ خود را ثبت نماید، ولی این مدت می‌تواند توسط انجمن تمدید شود. در صورتی که پاسخی به ثبت نرسد، قواعد انجمن مقرر می‌دارد که «فرض بر این خواهد شد که ادعا رد شده است.» هر گونه ادعای متقابلی مختصراً به همان شیوه‌ای که ادعا در تقاضا توصیف شده است در پاسخ درج می‌گردد. لازم است که تقاضا فقط حاوی لایحه مختصری باشد که مؤید اسامی طرفین و «توصیف ماهیت اختلاف، مبلغ و «خواستۀ دعوی» باشد. دلائل دیگری راجع به مندرجات تقاضا وجود ندارد. تقاضا معمولاً شامل خلاصه‌ای از استدلالات یا شرح دلائل یا گواهایی که خواهان در اثبات ادعای خود به آنها استناد می‌کند، نیست. در

صورتی که پاسخی ثبت شود، آن اغلب کوتاه و معمولاً شامل خلاصه‌ای از استدلال‌ات یا توصیف دلالتی که در دفاع ارائه می‌گردد، نمی‌باشد.

### ۳-دلائل

قانون ایالات متحده معمولاً موضوعات مربوط به ارائه دلائل را به صلاحدید طرفین و قواعد قابل اعمال، البته منوط به کنترل آن از سوی داوران، محول کرده است. بدین ترتیب قانون داوری فدرال حاوی مقررات خاص مربوط به دلائل نیست، به استثنای اینکه اگر داوران از استماع دلائل مربوطه خودداری نمایند، بر اساس آن رأی می‌تواند لغو شود و نیز اینکه داوران می‌توانند گواهان را مجبور به حضور در جلسه استماع نمایند به همان شیوه‌ای که قضات می‌توانند اشخاص را بعنوان گواه برای حضور در جلسه دادگاه وادار کنند. بسیاری از قوانین داوری ایالتی مشابه هستند.

قواعد انجمن داوری آمریکا حاوی تعدادی مقررات در خصوص دلائل است. برای مثال، قواعد مزبور مقرر می‌دارد که «طرفین می‌توانند دلالتی را بعنوان دلالتی که آنها می‌خواهند پیشنهاد کنند و این دلائل اضافی باید بعنوان دلالتی که از نظر داور در استنباط و اتخاذ تصمیم راجع به اختلاف ضروری تلقی می‌شود، ارائه گردد.» و اینکه داور «قاضی است که ارتباط و مادی بودن دلائل پیشنهادی را تعیین می‌کند و مطابقت با قواعد حقوقی ادله لازم نیست.» اصطلاح «قواعد حقوقی ادله» که اساساً در ارتباط با دادرسی با حضور هیأت منصفه در دادگاهها توسعه یافته است و در امر داوری ضروری محسوب نمی‌شود، عبارت است از رسیدگی غیر رسمی است که از طریق آن می‌توان به داوران خبره اعتماد کرد تا هر دلیلی که ارائه می‌شود استماع نمایند و به کلیه دلالتی که بعنوان اثبات واقعیات معتبر نیستند، توجهی نکنند.

برای تأمین دلائل مورد نیاز، انجمن داوری آمریکا مقرر می‌دارد که داوران با ابتکار خود، یا به درخواست هر یک از طرفین می‌توانند دستور دهند تا گواه در جلسه استماع حضور یابد یا اسناد مربوطه را تقدیم کند. طبق قواعد انجمن داوران با ابتکار خود می‌توانند از گواهان بخواهند تا با قید سوگند شهادت بدهند. بسیاری از قوانین ایالتی بویژه به داوران این اختیار را می‌دهند تا گواهان را به ایتان سوگند وادار نمایند. گاهی اوقات طرفین، بجای معرفی شخص گواه در جلسه استماع، شهادتنامه



کتبی با قید سوگند گواه تسلیم می‌کنند. قواعد انجمن مقرر می‌دارد که داور دلیلی را که بصورت شهادتنامه با قید سوگند دریافت کرده مورد بررسی قرار می‌دهد. اما پس از رسیدگی به هر گونه اعتراض وارده بر قبول شهادتنامه، فقط همان ارزش و بهائی را که مستحق باشد، به آن داده می‌شود.

علاوه بر دریافت اسناد و دلایل از گواهان، قواعد انجمن به داوران اجازه می‌دهد تا در ارتباط با داوری بازرسی یا تحقیق شخصی بعمل آورند. طرفین همیشه از قبل از این فعالیتها با خبر می‌شوند. و مجازند تا در بازرسی یا تحقیق حضور داشته باشند. در صورتی که یکی از طرفین حضور نداشته باشد، داور باید به طرفین شفاهی یا کتبی گزارش داده و به آنها فرصت بدهد تا اظهار نظر نمایند.

گواهان معمولاً ابتدا از سوی طرف یا وکیلی که آنها را معرفی کرده است، مورد سوال قرار می‌گیرند. این سئوالات طرح ریزی می‌شوند برای تخلیه واقعات مربوطه از گواه درباره پرونده‌ای که او می‌تواند از اطلاعات شخصی خود بگوید. در خلال تحقیق از گواه، طرف مقابل فرصت دارد تا به سئوالات در زمینه‌های مختلف اعتراض نماید نظیر اینکه سئوالات به موضوع ارتباطی ندارد، یا بوضوح مطرح نشده‌اند، یا اینکه آنها از گواه درخواست کنند تا راجع به واقعات که او نمی‌داند دست اول است یا غیره؛ شهادت بدهد. پس از آنکه تحقیق طرف یا وکیلی که گواه معرفی کرده است به اتمام رسید، قواعد انجمن داوری آمریکا مقرر می‌دارد که آنگاه گواه باید از سوی طرف مقابل «مورد سوال» قرار گیرد و این همان چیزی که بعنوان بازجویی از گواهان شناخته شده است. در ایالات متحده بازجویی از گواهان بهترین شیوه بررسی اعتبار گواه محسوب می‌شود. حق بازجویی از گواهان که بویژه در بسیاری از قوانین داوری ایالتی مقرر شده و در حالیکه صراحتاً در قانون داوری فدرال پیش بینی نشده است، معهذاً عامل مهمی در دادرسی عادلانه تلقی می‌گردد.

از داوران انتظار می‌رود که بر بازجویی از گواهان نظارت داشته باشند، تا اینکه از این امکان برای اذیت کردن و ترساندن گواهان استفاده نشود. گرچه بیشتر تحقیق و بازجویی از گواهان توسط طرفین یا وکلای آنها انجام می‌گیرد، داوران نیز می‌توانند سئوالاتی بپرسند که بنظر آنها برای استنباط و اتخاذ تصمیم راجع به اختلاف ضروری

هستند.

**۴- کارشناسان**

مقررات ویژه‌ای در قوانین داورى یا قواعد انجمن داورى آمریکا راجع به کارشناس وجود ندارد. کارشناسان دقیقاً مانند سایر گواهان تلقی می‌شوند و معمولاً از سوى طرفی که به شهادت آنها استناد می‌کند معرفی می‌شوند و مشمول تحقیق طرف مقابل یادآور هستند. داوران معمولاً کارشناسان را تعیین نمی‌کنند یا از آنها دعوت بعمل نمی‌آورند، هر چند آنها اختیار انجام اینکار را دارند. طبق قواعد انجمن داورى مخارج هر شاهد کارشناسی که به درخواست مستقیم داوران معرفی می‌شوند، بالمناصفه بر عهده طرفین است، مگر آنکه طرفین بنحو دیگری توافق کرده یا در رأی تعیین شده باشد. البته هر گونه گزارش کتبی که توسط کارشناسان تسلیم می‌شود، در دسترس همه طرفها قرار می‌گیرد.

**۵- اقدامات موقت تأمینى**

اینکه داوران اختیار وسیعی دارند برای دستور اقدامات تأمینى که آنها آنرا در خصوص موضوع داورى ضرورى می‌دانند برسمیت شناخته شده است، گرچه قانون قدرال و قوانین داورى ایالتى عموماً در این موضوع ساکت هستند. برای مثال قواعد انجمن داورى آمریکا مقرر می‌دارد که داوران می‌توانند برای حفظ اموال دستوراتى صادر نمایند و صدور این دستورات «خداشه‌ای به حقوق طرفین یا تصمیم نهائى اختلاف وارد نمی‌کند». این اختیار داوران شامل می‌شود: صلاحیت ۱- در تصویب مقررات خاص برای مواردی که موضوع قرارداد کالای فاسد شدنی است، ۲- دستور توقیف اموال خوانده برای تضمین اینکه چنانچه رأی صادر شد منبعی وجود داشته باشد تا خسارت از آن محل پرداخت شود، یا ۳- اتخاذ تدابیر دیگری که داوران با توجه به اوضاع و احوال پرونده مناسب می‌دانند.

در ارتباط با موضوع کلی قرار موقت تأمینى باید به چند تصمیم قضایى توجه کرد که مربوط می‌شود به اختیار دادگاهها در پرونده‌های بین المللی در توقیف اموال خوانده که تا روشن شدن نتیجه داورى دستور داده می‌شود. بالاترین دادگاه ایالت نیویورک در یک پرونده بین المللی در ۱۹۸۲ حکم داد که کنوانسیون راجع به شناسایی

و اجرا آرا داوری خارجی (کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک) اعمال می‌شود، دادگاه نباید دستور توقیف اعطاء کند. زیرا که روح کنوانسیون «دادگاه را از اقدام و عمل در هر مقام بجز حکم داوری منع می‌نماید».

برخی از دادگاههای فدرال به نتیجه مشابهی دستی یافتند، ولی سایر دادگاهها توقیف قضائی را در این قبیل پرونده‌ها، بویژه در پرونده‌های دریایی که توقیف توسط مقررات ویژه قانون داوری فدرال مجاز گردیده، اجازه داده شده است. دیوانعالی ایالات متحده نظری در این موضوع نداده است. طرفین که برسمیت می‌شناسند قابلیت دسترسی توقیف‌های قضائی را در کمک به داوری که می‌تواند در برخی از معاملات بین‌المللی مهم باشد، بنظر ممکن است تضمین کند که دادگاهها اختیار دارند تا این توقیف‌ها را با درج مقرراتی که همان اثر را در قرارداد آنها داشته، یا با توافق به داوری که حاوی چنین توافقی بطور ضمنی در مقررات قواعد داوری آنستیرال وجود دارد و آن عبارت است از «درخواست صدور اقدامات تأمینی از مقام قضائی توسط هر یک از طرفین غیر منطبق با موافقت نامه داوری یا بعنوان انصراف از آن موافقت نامه تعلق نمی‌شود».

#### ۶- نمایندگی حقوقی

گرچه حق نمایندگی وکیل صراحتاً در قانون داوری فدرال ذکر نشده، ولی حقی اساسی محسوب شده است. بسیاری از قوانین داوری ایالتی حاوی مقررات خاصی هستند مبنی بر اینکه هر یک از طرفین حق دارند که وکیل داشته باشند و این حق نمی‌تواند از قبل ساقط شود.

مقررات مشابهی در قواعد انجمن داوری آمریکا نیز منعکس شده به این معنی که قواعد مزبور مقرر می‌دارد که هر یک از طرفین می‌تواند وکیل داشته باشد.

در رویه آمریکا الزامی نیست که وکیل با وکالتنامه کتبی مجاز به امر نمایندگی طرف در داوری شده باشد. بنابراین، برای مثال طبق قواعد انجمن، تنها شرط لازم این است که طرف اسم و نشانی وکیل را داده باشد،

چنانچه وکیل به نیابت از او اقامه دعوی کرده یا پاسخ داده باشد، چنین ابلاغی

رسمی تلقی می‌شود.

**۷- رسیدگی غیابی**

در قانون داوری فدرال مقرراتی در خصوص موضوع قصور هر یک از طرفین برای حضور در داوری پس از ابلاغ پیش بینی نشده است. ولی بطور کلی پذیرفته شده است که اگر طرفی ابلاغیه صحیحی را که حاوی زمان و مکان رسیدگی داوری بوده، دریافت کرده باشد، معهداً در جلسه رسیدگی حضور نیابد داور می‌تواند رسیدگی را در غیاب آن طرف آغاز کند. اکثر قوانین ایالتی نیز مقرراتی در این خصوص پیش بینی کرده‌اند. برای مثال، قانون داوری متحد الشکل مقرر می‌دارد که «علیرغم عدم حضور یکی از طرفین با اینکه ابلاغ صحیحاً انجام شده است، داوران می‌توانند اختلاف را با توجه به دلائل ارائه شده مورد رسیدگی قرار داده و اتخاذ تصمیم نمایند.»

قواعد انجمن داوری مقرر می‌دارد که داوری می‌تواند پس از ابلاغ صحیح در غیاب یکی از طرفینی که در جلسه رسیدگی حضور نیافته یا نتوانسته است آنرا به تعویق اندازد آغاز شود. ولی قواعد مزبور اشعار می‌دارد که رأی «نمی‌تواند صرفاً در غیاب یکی از طرفین صادر شود»، ولی داوران می‌توانند طرفی را که حضور دارد ملزم سازند تا «مدارکی را که داور برای صدور رأی ضروری می‌داند، ارائه دهد.»

**فصل پنجم: آرا****۱- نوع رأی**

قانون ایالات متحده پذیرفته که داوران اختیارات وسیعی در صدور رأی دارند. این مفهوم در قواعد انجمن داوری آمریکا انعکاس یافته است، بطوریکه قواعد مزبور مقرر می‌دارد که داور می‌تواند «هر گونه جبران خسارت یا خواسته‌ای که داور آنرا عادلانه و منصفانه می‌داند و در محدوده قلمرو موافقت نامه طرفین است، اعطا کند.»

قانون فدرال، قوانین داوری ایالتی و قواعد انجمن داوری آمریکا همگی فقط راجع به رأی داوری سخن می‌گویند و اشاره‌ای به قرارهای موقت که با آرای نهائی متفاوت است، ندارند. عملاً معمول نیست که داوران راجع به موضوعات مقدماتی قرارهای موقت صادر کنند، گرچه این قرارها آرا نامیده می‌شوند. برای مثال داوران می‌توانند ابتدا تصمیم بگیرند راجع به اینکه آیا دعوی منع شده به این دلیل که دیر اقامه شده است یا نه. در صورتی که داوران تصمیم بگیرند که دعوی با مرور زمان منع نشده

است، پس از آن می‌توانند به بررسی ماهیت دعوی ادامه دهند. همچنین داوران می‌توانند در خصوص اینکه آیا مسئولیتی وجود دارد یا نه و پس از اثبات اینکه مسئولیت وجود دارد، می‌توانند به بررسی دلایل بپردازند و راجع به میزان جبران یا خواسته دیگری که باید رأی داده شود، تصمیم‌گیری نمایند. همانگونه که قبلاً گفته شد، داوران می‌توانند دستور اقدامات موقت تأمینی نیز صادر کنند. داوران معمولاً در صدور قرارهای تأمین احتیاط می‌کنند. دلیلش آن است که تصمیمات دادگاه‌های ایالات متحده این اصل را اعمال می‌نمایند بمحض اینکه رأی صادر شد، داور فارغ از رسیدگی می‌شود، یعنی او دیگر اختیاری ندارد. بنابراین مهم است داورانی که قرار موقت صادر می‌کنند با این قصد که بعداً آرای نهائی صادر نمایند، مطمئن باشند که آنها با صدور قرار موقت فارغ از رسیدگی نمی‌شوند. این مشکل در پرونده‌هایی که طبق قواعد داوری آنستیرال رسیدگی می‌شوند وجود ندارد، زیرا مقررات این قواعد مقرر می‌دارد که داوران «می‌توانند قرار موقت، قرار اعدادی یا حکم جزئی صادر نمایند». در مواردی که قواعد قابل اعمال یا قرارداد قرار موقت را پیش‌بینی نکرده باشند، برخی از داوران برای اطمینان اینکه آنها فارغ از رسیدگی نشده‌اند، ترجیح می‌دهند که قرار موقت صادر نکنند، تا اینکه از همه طرفها رضایت کتبی مبنی بر اینکه داوران صلاحیت صدور رأی نهائی را دارند، دریافت نمایند. بعضی از داوران دیگر با بیان نظرات موقت خود بطور غیر رسمی بجای درج آنها در رأی موقت کتبی و همینطور درج آنها بعداً در رأی نهائی، به نتیجه مشابه نائل می‌شوند.

## ۲- رأی دادن

قانون داوری فدرال حاوی مقرراتی در ارتباط با مهلت صدور رأی نیست، بنابراین هرگونه توافق طرفین ناظر بر این موضوع است. بیشتر قوانین ایالتی مقرر می‌دارد که رأی باید در ظرف مدتی که طرفین به آن توافق کرده‌اند، یا در صورتی که مدتی تعیین نشده است، در ظرف مدتی که دادگاه بنا به درخواست یکی از طرفین مشخص می‌نماید، صادر شود. ولی در صورتی که رأی نهائی باشد و طرفین قبل از تحویل آن اعتراض نمایند، این اعتراض اسقاط شده تلقی خواهد شد. قواعد انجمن داوری آمریکا اشعار می‌دارد که رأی باید «فوراً» صادر شود و

صراحتاً مقرر می‌دارد که رأی نباید دیرتر از سی روز پس از اتمام رسیدگی صادر گردد، مگر آنکه طرفین بنحو دیگری توافق نمایند. در صورتی که طرفین از رسیدگی شفاهی صرف‌نظر نمایند، رأی باید در ظرف مدت سی روز پس از تاریخ «تسلیم لوایح و دلائل نهائی به داور» صادر می‌شود.

انعکاس اختیارات وسیعی که داوران طبق قانون ایالات متحده دارند این است که قواعد انجمن داوری آمریکا اشعار می‌دارد که داور می‌تواند منجمله «هرگونه جبران یا خواسته‌ای که بنظر وی عادلانه و منصفانه است، اعطا کند، ولی نه محدود به دستور اجرای خاص قرارداد»، مشروط به اینکه جبران در محدوده توافق طرفین باشد.

قانون ایالات متحده و قواعد انجمن داوری، مانند آنچه که در بسیاری از کشورهای دیگر دیده می‌شود، حاوی هیچ شرطی نیست مبنی بر اینکه داوران باید دلائلی که رأی بر مبنای آن صادر شده است را ذکر کنند. عملاً آرا در ایالات متحده فقط نتیجه را ذکر می‌کنند (یعنی آن چیزی که در برخی از کشورها «عبارت حکم» نامیده می‌شود)، مگر آنکه طرفین بنحو دیگری توافق کرده باشند. برای مثال در پرونده‌هایی که در ایالات متحده بر طبق قواعد داوری آنستیرال رسیدگی می‌شوند، دلائل رأی باید ذکر شوند، به دلیل شرط انجام این کار که در قواعد مزبور درج شده است.

قانون داوری فدرال، اکثر قوانین ایالتی و قواعد انجمن داوری تماماً مقرر می‌دارند که آرا باید مکتوب باشند. آرا یا توسط داور منفرد یا حداقل اکثریت داوران در صورتی که بیش از یک داور باشد، امضا می‌شود. بهر حال به موجب قواعد انجمن داوری، موضوع رأی‌گیری ضمنی و در قواعد داوری آنستیرال بطور صریح روشن است هنگامی که دیوان داوری مرکب است از سه داور، یک داور در اقلیت نمی‌تواند صدور رأی را با عدم امضا متوقف کند. در حالیکه قانون داوری فدرال مقررات خاصی را برای امضا پیش بینی نکرده، ولی رویه معمول این است در آرائی که قانون مزبور ناظر بر آن می‌باشد، امضا می‌شود.

هیچیک از قوانین داوری فدرال، ایالتی و قواعد انجمن داوری آمریکا نه شرط دانسته‌اند و نه ممنوع کرده‌اند که رأی داوری باید با بیانیه‌ای از دلائل داوران در صدور رأی همراه باشد. عملاً در پرونده‌های تجاری معمول نیست که داوران در آرای خود

دلایل صدور را ذکر کنند، بجز در مواردی که داوری بر اساس قواعد آنستیرال یا قواعد دیگری که بیانیه‌ای از دلایل را لازم می‌داند، انجام گیرد. دیوانعالی ایالات متحده<sup>(۱)</sup> مقرر داشته است لازم نیست که داوران دلایل رأی خود را بیان کنند.

هیچیک از قانون داوری فدرال، قانون داوری متحد الشکل، قواعد انجمن داوری و قواعد داوری آنستیرال حاوی مقرراتی نیستند که داور مخالف را از نوشتن نظر مخالف منع نماید.

#### ۲- ایراد به صلاحیت داوران

طبق قانون فدرال و اکثر قوانین ایالتی ایالات متحده تنها مبنایی که یکی از طرفین می‌تواند به صلاحیت داوری اعتراض کند این است که طرف وجود یا اعتبار موافقت نامه داوری را انکار کند. در صورتی که این ایراد فقط به داور باشد، آن موضوع معمولاً توسط داور تصمیم‌گیری خواهد شد، گرچه اختیار نهائی در تصمیم‌گیری در این خصوص با دادگاه است.

#### ۵- قانون حاکم

قانون داوری فدرال، قوانین داوری ایالتی و انجمن داوری آمریکا تماماً راجع به این سؤال مشکل که آیا داور باید بر اساس قواعد حقوقی اقدام کند یا نه، و در صورتی که چنین باشد، چه قانونی باید اعمال گردد، ساکت هستند. ولی قواعد داوری آنستیرال حاوی مقررات مفصّلی در خصوص قانون حاکم است.

#### الف - قانون شکلی

درباره قانون شکلی داوران عموماً برسمیت شناخته‌اند که آنها باید از مقررات امری قانون موضوعه حاکم بر رسیدگی‌های داوری در مقر داوری پیروی کنند، و نیز باید مقررات غیر امری این قانون را تا حدودی که مکمل و نه متناقض با شرایط قرارداد طرفین و هر گونه قواعد قابل اجراست، اعمال نمایند.

#### ب- قانون ماهوی

این موضوع که آیا لازم است داوران راجع به ماهیت اختلاف بر اساس قانون

تصمیم‌گیری نمایند یا نه، ابتدا با عطف به موافقت نامه طرفین، یا هر گونه قواعدی که طرفین به آن توافق کرده‌اند، تصمیم‌گیری می‌شود. در صورتی که موافقت نامه یا قواعد قابل اعمال این گونه مقرر دارند که داوران باید بر اساس قانون تصمیم‌گیری نمایند، دادگاهها حکم داده‌اند که داوران باید اینگونه عمل کنند. اگر موافقت نامه یا قواعد قابل اعمال کلاً مؤید این قصد نباشد که در تصمیم‌گیری در ماهیت اختلاف قانون اعمال می‌شود، داوران در تصمیم‌گیری راجع به اختلاف بر اساس استنباط شخصی خود از قواعد عدل و انصاف آزاد هستند. ولی عملاً اکثر داوران در جستجوی این هستند که قانون را اعمال نمایند.

گرچه همانگونه که در بالا گفته شد، قواعد انجمن داوری آمریکا حاوی شرطی نیست که داوران موظف باشند تا بر اساس قانون تصمیم بگیرند. قابل توجه است قواعد داوری آنستیرال که می‌توان انتظار داشت که بطور روز افزون در پرونده‌های بین‌المللی بکار برده شوند، صراحتاً مقرر می‌دارد که داوران باید در تصمیم‌گیری ماهیت اختلاف قانون را اعمال نمایند.

در پرونده‌هایی که موافقت نامه یا قواعد قابل اعمال، تصمیم‌گیری راجع به اختلاف را بر اساس قانون مقرر می‌دارد، داوران قانون ماهویی که توسط طرفین مشخص شده یا بر اساس قواعد قابل اعمال تعیین شده است را اعمال خواهند کرد. در صورتی که موافقت نامه و قواعد قابل اعمال در خصوص انتخاب قانون ساکت باشند، داوران قانون ماهوی را که آنها طبق شرایط پرونده مناسب می‌دانند، اعمال خواهند کرد. هنگامی که قرارداد محلی را برای داوری مشخص می‌کند، ولی قانون ماهوی قابل اعمال را تعیین نمی‌نمایند، بعضی از داوران اینگونه استنباط می‌کنند که طرفین قصد کرده‌اند که قانون ماهوی محل داوری باید اعمال شود. بهر حال داوران دیگر از این اصل پیروی نمی‌کنند و تشخیص خود را در تعیین قانون قابل اعمال ماهوی، که اغلب بر مبنای اصول انتخاب قانون حاکم که بر قانون مقرر داوری تفوق دارد، بکار می‌برند. بدست آوردن اطلاعات واقعی راجع به آنچه که داوران در این رابطه انجام می‌دهند مشکل است، زیرا همانگونه که در بالا شرح داده شد، آرای داوری ایالات متحده معمولاً با دلائل صدور همراه نیستند.



این شرط که داوران باید بر اساس قانون قابل اعمال تصمیم گیرند هنگامی که موافقت نامه یا قواعد قابل اعمال چنین مقرر می‌دارد، دلالت بر آن ندارد که دادگاهها آرای داوری را برای اشتباه در تفسیر قانون بررسی یا در صورتی که این اشتباهات وجود داشته باشد، لغو خواهند کرد.

رویه داوران در فصل دعوی بر اساس قواعد انصاف و کدخدا منشانه که طبق قانون برخی از کشورها مجاز شده است، در ایالات متحده وجود ندارد. ولی مفهوم مشابه آن در داوری آمریکا غیر معمول نیست. برای مثال همانگونه که قبلاً در مواردی که نه قرارداد و نه قواعد اعمال قانون را در تصمیم‌گیری ماهیت اختلاف مقرر می‌دارند، داوران می‌توانند بر اساس استنباط خود از قواعد عدل و انصاف، مفهومی که با فصل دعوی منطبق و با قواعد انصاف و کدخدا منشانه بی‌شباهت نیست، تصمیم‌گیری نمایند.

آیین سابق انگلیسی که بر اساس آن داوران می‌توانند از دادگاه درخواست کنند تا راجع به مسائل حقوقی تصمیم بگیرد، یعنی به اصطلاح «آیین دعوی مطروح»،<sup>(۱)</sup> عموماً در ایالات متحده اعمال نمی‌شود. در ایالت‌های Utah و Connecticut داوران مجازند مسائل حقوقی مربوط به پرونده را به دادگاه تسلیم کنند، ولی پرونده‌های گزارش شده‌ای وجود ندارند که مؤید این باشد که رویه مزبور عملاً در ایالت‌های فوق‌الذکر بکار رفته است.

#### ۶- مصالحه

سیاست کلی و همه جانبه ایالات متحده بر این مبنا قرار گرفته که تشویق و ترغیب کند اشخاص را بجای آنکه برای حل و فصل اختلافات به مراجع قضایی و داوری مراجعه نمایند، اختلافات خود را رأساً حل و فصل کنند. قواعد انجمن داوری آمریکا این سیاست را منعکس می‌کند و مقرر می‌دارد «در صورتی که طرفین در جریان رسیدگی داوری اختلاف خود را از طریق مصالحه حل و فصل کنند، داور با درخواست آنها می‌تواند شرایط حکم سازشی را در رأی درج نماید.» قابل توجه است که داوران

«می‌توانند» مفاد مصالحه را در رأی خود درج نمایند، ولی الزامی در انجام این امر ندارند. دلیل این کار این است که داوران شهرت، اعتبار و حیثیت خود را وام دار موافقت نامه‌های طرفین قرار ندهند که ممکن است این موافقت نامه‌ها غیر منصفانه، غیر قانونی، نادرست یا مغایر منافع عامه باشد. قواعد داوری آنستیرال نیز حاوی مقررات مشابهی است (ماده ۳۴).

### ۷- تصحیح، اصلاح و تفسیر رأی داوری

قانون داوری فدرال مقرر می‌دارد که به درخواست یکی از طرفین، دادگاه فدرال ناحیه‌ای که رأی صادر کرده است می‌تواند دستور اصلاح یا تصحیح آن را بدهد:

الف - در جایی که اشتباهی در ارقام و اعداد یا توصیف شخص یا چیزی که در رأی اشاره شده است، وجود داشته باشد، یا ب- وقتی که داوران راجع به موضوعی که به آنها ارجاع نشده است، رأی داده باشند، یا ج- در مواردی که رأی از نظر شکلی ناقص است بطوری که بر ماهیت اختلاف تأثیری ندارد. مقررات مشابهی در بسیاری از قوانین داوری ایالتی وجود دارد. شرایط محدودی وجود دارند که دادگاهها تحت آن شرایط مجازند تا برخی از پرونده‌های متضمن «حق الاختراع» که در فصل دوم، بخش سوم مبحث ب بحث شده است را اصلاح نمایند.

بعلاوه بسیاری از ایالتها نیز به داوران اجازه می‌دهند تا آرا را تصحیح یا اصلاح کنند. در پرونده‌هایی که این قوانین ایالتی بر آنها ناظر است یا در جایی که موافقت نامه طرفین یا قواعد قابل اعمال اجازه می‌دهد، داوران می‌توانند آرا را تصحیح یا اصلاح نمایند. در کلیه پرونده‌های دیگر دادگاهها عموماً اصلی را اعمال می‌کنند که بر اساس آن داوران فارغ از رسیدگی هستند بمحض اینکه آرای خود را صادر کنند و اجازه تصحیح یا اصلاح آنها را ندارند. ولی قواعد داوری آنستیرال حاوی مقرراتی است که در ایالات متحده قابل اجرا خواهد بود، البته در صورتی که طرفین در پیروی از این قواعد توافق کرده باشند.

### ۸- هزینه‌ها

قانون داوری فدرال حاوی مقرراتی درباره هزینه‌های داوری نیست. بسیاری از قوانین داوری ایالتی مقرر می‌دارد که مخارج و دستمزدهای داوری و سایر مخارج،

ولی نه حق الوکاله وکلای طرفین، مطابق آنچه که در رأی مقرر شده است، پرداخت خواهد شد، مگر اینکه طرفین بنحو دیگری توافق کرده باشند.

قواعد قانون داوری آمریکا شامل مقررات مفصلی راجع به هزینه‌ها است. هزینه‌های داوری انجمن مرکب است از سه عنصر اصلی: ۱- حق الزحمه اداری پرداخت شده به انجمن، ۲- حق الزحمه پرداخت شده به داوران چنانچه باشد، و ۳- مخارج قانونی و سایر مخارجی که توسط طرفین در ارائه پرونده خود متحمل می‌شوند. حق الزحمه اداری انجمن در جدول منضم به قواعد انجمن مقرر شده است. در ۱۹۸۳ جدول حق الزحمه بشرح ذیل بوده است:

### مبلغ ادعا                      حق الزحمه

از ۱ دلار تا ۲۰۰۰۰ دلار	۳۰٪ (حداقل ۲۰۰ دلار)
از ۲۰۰۰۰ دلار تا ۴۰۰۰۰ دلار	۶۰۰ دلار بعلاوه ۲٪ مازاد بر ۲۰۰۰۰ دلار
از ۴۰۰۰۰ دلار تا ۸۰۰۰۰ دلار	۱۰۰۰ دلار بعلاوه ۱٪ مازاد بر ۴۰۰۰۰ دلار
از ۸۰۰۰۰ دلار تا ۱۶۰۰۰۰ دلار	۱۴۰۰ دلار بعلاوه ۱/۲٪ مازاد بر ۸۰۰۰۰ دلار
از ۱۶۰۰۰۰ دلار تا ۵۰۰۰۰۰۰ دلار	۱۸۰۰ دلار بعلاوه ۱/۴٪ مازاد بر ۱۶۰۰۰۰ دلار

در پرونده‌های متضمن ادعاهای بیش از ۵ میلیون دلار، در صد خاصی برای حق الزحمه مقرر نشده است، ولی قواعد مزبور پیشنهاد کرده است که در این پرونده‌ها مبلغ حق الزحمه «توسط انجمن تعیین خواهد شد». طبق قواعد مزبور، انجمن می‌تواند «در مواردی که پرداخت آن امر شاقی برای هر یک از طرفین است»، حق الزحمه اداری را به تعویق اندازد یا کاهش دهد.

جدول حق الزحمه مشابهی در پرونده‌هایی که توسط انجمن داوری طبق قواعد داوری آنستیرال رسیدگی می‌شوند، اعمال می‌گردد، هنگامی که انجمن بعنوان مقام ناصب و مدیر عمل می‌کند. هنگامی که انجمن بعنوان مقام منصوب کننده و بدون ارائه خدمات اداری عمل نماید، حق الزحمه ۷۵٪ جدول حق الزحمه بالا است.

حق الزحمه اداری حاوی حق الزحمه‌ای که به داوران پرداخت شده است، نیست. قواعد مربوطه مقرر می‌دارد که اعضای هیأت داوران انجمن داوری «بدون

حق الزحمه در داوریه‌های تجاری خدمت می‌کنند.» بهر حال قواعد انجمن اضافه می‌کند که در پرونده‌های طولانی و پیچیده طرفین می‌توانند به پرداخت حق الزحمه توافق نمایند و این توافق معمولاً انجام می‌گیرد. قواعد انجمن داوری مقرر می‌دارد که ترتیبات حق الزحمه داور بیطرف باید از طریق انجمن داوری و نه مستقیماً بین داور بی طرف و طرفین صورت گیرد.

آیین‌های ثابتی وجود ندارد تا بر تعیین حق الزحمه داوران پرونده‌های اختصاصی که توسط انجمن داوری آمریکا رسیدگی نمی‌شوند، ناظر باشد. در موارد اختلاف بین طرفین و داوران در خصوص مبلغ حق الزحمه، اعم از اینکه این اختلاف در انجمن داوری یا در پرونده اختصاصی باشد، تصمیم‌گیری نهائی با دادگاه خواهد بود. علاوه بر حق الزحمه اداری و حق الزحمه داور، طرفین ممکن است مخارج دیگری برای داوری داشته باشند.

قواعد انجمن داوری مقرر می‌دارد که مخارج شهود باید توسط طرفی پرداخت شود که شاهد را فرامی‌خواند. هزینه تند نویسی در صورتی که انجام شده باشد فیما بین آنهایی که دستور نسخه‌هایی از آن را داده باشند تقسیم می‌گردد، مگر آنکه بنحو دیگری توافق شده باشد. کلیه مخارج دیگر داوری، منجمله مخارج سفر و سایر مخارج داوران و مخارج شهودی که توسط داوران تقاضا شده باشند، بالمناصفه توسط طرفین پرداخت می‌شود، مگر آنکه بنحو دیگری توافق شده باشد یا اینکه داوران در رأی خود چنین مخارجی را بعهده طرف معینی واگذار کنند.

در رویه آمریکا هر طرف حق الوکاله وکیل خود را می‌پردازد، مگر آنکه در موافقت نامه طرفین یا در قواعد قابل اعمال بنحو دیگری مقرر شده باشد، و حق الزحمه‌های قانونی، بعنوان بخشی از مخارج داوری که پرداخت آن توسط طرف بازنده (محکوم علیه) منوط به تصمیم داوران است، تلقی نمی‌شوند.

در پرونده‌هایی که توسط انجمن داوری آمریکا و طبق قواعد داوری آنستیرال رسیدگی می‌شوند، تا حدی مقررات مختلفی در ارتباط با هزینه‌ها اعمال می‌گردد:

۱- برخی هزینه‌های اعلام شده اصولاً توسط طرف بازنده (محکوم علیه) پرداخت می‌شود، ولی داوران اختیار دارند که آنرا بین طرفین تقسیم نمایند؛

۲- داوران آزادند تا تعیین کنند که کدام طرف باید حق الزحمه‌های قانونی را بپردازد یا حق الزحمه را بین طرفین تقسیم نمایند. (ماده ۴۰).

قواعد انجمن داوری به انجمن اختیار می‌دهد تا از طرفین بخواهد مبالغی بعنوان پیش پرداخت که برای تأمین مخارج داوری منجمله حق الزحمه داوران در صورتی که باشد- ضروری است، تأدیه نمایند. در پرونده‌هایی که توسط انجمن داوری مطابق قواعد آنتستیرال رسیدگی می‌شوند، دیوان داوری اختیار دارد تودیع هزینه‌ها را درخواست نماید.

#### ۹- ابلاغ و ثبت آرا

قانون داوری فدرال به مسأله تحویل آرا پرداخته است، ولی اکثر قوانین ایالتی مقرر می‌دارد که رأی به طرفین حضوری یا از طریق پُست سفارشی تحویل می‌گردد، مگر آنکه بنحو دیگری توافق شده باشد.

قواعد انجمن داوری مقرر می‌دارد که تحویل انجام می‌گیرد هنگامی که رأی به هر یک از طرفین توسط انجمن پُست شده باشد. اگرچه آیین‌های انجمن با بسیاری از قوانین ایالتی که تحویل از طریق پُست سفارشی را بجای پُست معمولی مقرر می‌دارد، در تعارض است، ولی دادگاهها حکم داده‌اند که ادغام قواعد انجمن در موافقت نامه طرفین، توافق متقابل آنها را تشکیل می‌دهد و نسبت به آن قواعد ملتزم می‌باشند.

قانون داوری فدرال یا در اکثر قوانین داوری ایالتی شرایطی برای ثبت آرا وجود ندارد. ولی طبق اصلاحیه ۱۹۸۳ «قانون حق الاختراع»، آرا راجع به اعتبار به نقض آن باید به کمیسیونر حق الاختراع<sup>(۱)</sup> ابلاغ گردد. در جایی که حکم وارد در رأی می‌شود، همانگونه که قبلاً گفته شد، در سوابق دادگاه به همان شیوه‌ای که سایر احکام دادگاه به ثبت می‌رسند، ثبت می‌گردد.

#### ۱۰- ضمانت اجرای رأی

قانون داوری فدرال مقرر می‌دارد که در هر زمان در ظرف مدت یکسال پس از صدور رأی، هر یک از طرفین می‌تواند از دادگاه فدرال دستور تأیید رأی را درخواست

نماید. این آیین به انتقال رأی در حکم دادگاه منتهی شده است، که عموماً شرط «اجراء حکم در رأی» نامیده می‌شود.<sup>(۱)</sup> به دادگاهی که درخواست داده می‌شود دادگاه فدرال ناحیه‌ای است که رأی در آنجا صادر شده، مگر آنکه موافقت نامه دادگاه دیگری را مشخص کرده باشد. قانون مقرر می‌دارد که دادگاه باید دستور تأیید رأی را اعطا کند، مگر آنکه رأی لغو، اصلاح یا تصحیح شده باشد. در صورتی که موضوع در دست رسیدگی دادگاه لغو، اصلاح یا تصحیح رأی باشد، دادگاه ابتدا قبل از تأیید رأی در خصوص این موضوعات تصمیم خواهد گرفت.

آیین تضمین حکم از طریق دستور دادگاه مبنی بر تأیید رأی داوری کاملاً ساده است. این آیین علاوه بر ثبت درخواست، ثبت نسخی از اسناد مهم مانند موافقت نامه، رأی و نسخه‌ای از دستور دادگاه مبنی بر اصلاح یا تصحیح رأی را در نزد منشی دادگاه لازم می‌داند.

هنگامی که دادگاه حکمی مبنی بر تأیید رأی داوری صادر می‌کند، این حکم دارای همان آثار و قوت اجرایی است که همین دادگاه در مورد یک دعوی حکم داده باشد، و این حکم می‌تواند اجرا شود مانند حکمی که در دعوایی در همان دادگاه صادر شده است. عبارت دیگر رأی داوری در حکم دادگاه وارد شده است. بسیاری از قوانین داوری ایالتی حاوی مقررات مشابهی برای ادخال حکم در آرا داوری هستند. طرفی که به قرار تأیید یا رد آن اعتراض نماید، می‌تواند از یک دادگاه بالاتر نوعاً به همان شیوه‌ای که از احکام صادره در دعاوی مدنی دیگر تجدید نظر خواهی می‌شود، تجدید نظر بخواهد.

#### ۱۱- انتشار آرا

داوری تجاری یک آیین خصوصی تلقی می‌شود و آرا صادره در این زمینه معمولاً در ایالات متحده منتشر نمی‌شوند، بجز در برخی از آرای دریایی. این برخلاف آرا مربوط به اختلاف کارگری است که عموماً منتشر می‌شوند. انجمن داوری آمریکا دارای سنت قوی در مصون بودن از افشای طرفین در پرونده‌های داوری تجاری است،

و رأی داوری یا هر چیزی که در ارتباط با هر یک از طرفین رأی باشد، منتشر نخواهد شد، مگر آنکه طرفین اجازه داده باشند.

### فصل ششم - طرق اعتراض

#### ۱- تجدید نظر خواهی از آراء داوری

هیچیک از قوانین ایالتی، فدرال و قواعد انجمن داوری آمریکا تجدید نظر خواهی از آراء داوری در نزد داوران دیگر را پیش بینی نکرده‌اند. در چند سیستم داوری بویژه سیستمهایی که توسط برخی از شرکتهای تجاری اعمال می‌شود، تصمیمات داوری می‌تواند در دیوان داوری بالاتر تجدید نظر خواهی شود. قوانین ایالتی و فدرال تجدید نظر خواهی از آراء داوری را در هر دادگاهی پیش بینی نکرده است. اعتراض اصلی علیه هر رأیی تجدید نظر نبوده، بلکه درخواست لغو رأی داوری از دادگاه است.

#### ۲- اقدام علیه اجازه اجرا (اجزایه)

صدور اجرائیه برای رأی داوری در ایالات متحده لازم نیست.

#### ۳- ابطال آرای داوری

##### الف - دلایل

رأی داوری نهائی و بر طرفین الزام آور است، و دلایل بسیار محدودی وجود دارند که فقط می‌توان به استناد آنها برای ابطال رأی داوری به دادگاهها مراجعه کرد. این دلایل بویژه در قوانین داوری فدرال و ایالتی پیش بینی شده است. قوانین فدرال و ایالتی عموماً مقرر می‌دارد که دادگاه اختیار دارد رأی داوری را ابطال کند فقط ۱- در مواردی که رأی با فساد یا تقلب تحصیل شده باشد؛ یا ۲- هنگامی که طرفداری آشکاری از سوی داور وجود داشته باشد؛ یا ۳- وقتی که داوران از استماع دلایل مربوطه، یا با وجود نشان دادن انگیزه و دلیل موجه از به تعویق انداختن جلسه استماع امتناع ورزند، یا اینکه در مورد سوء رفتار دیگری که به حقوق هر یک از طرفین لطمه وارد کند مقصر بودند؛ یا ۴- در مواردی که داوران از اختیارات قانونی خود تجاوز نمایند یا بطور ناقص آنها را اجرا کنند بطوریکه اصلاً رأی داوری صادر نشده باشد. دادگاه در خصوص اینکه آیا داور نسبت به واقعیات یا قانون مرتکب

اشتباه شده است یا نه، تحقیق نخواهد کرد، زیرا این اشتباهات دلالتی برای لغو رأی نیستند. با وجودی که دادگاهها آرای داوری را بدلیل اشتباه در تفسیر قانون لغو نخواهد کرد، ولی آنها این کار را خواهند کرد، در صورتی که «بی توجهی آشکار به قانون» وجود داشته باشد. بهر حال دلیل مزبور موجب عدم اجرای رأی داوری می‌شود، زیرا که خلاف سیاست عمومی است.

### ب- آیین (ابطال رأی)

آیین ابطال رأی برای طرفی است که از دادن درخواست به دادگاه صلاحیتدار برای دستور مبنی بر ابطال رأی، اعتراض می‌کند. طبق قانون داوری فدرال و اکثر قوانین ایالتی درخواست ابطال رأی باید در ظرف مدت ۹۰ روز پس از تحویل رأی داده شود. این درخواست باید به طرف مقابل یا وکیل او به شیوه‌ای که قانون مقرر داشته، ابلاغ گردد. درخواستهای لغو آرا بر اساس همان آیین‌هایی می‌باشد که در رابطه با درخواستهای دیگری که به همان دادگاه داده می‌شوند، اعمال می‌گردد.

ایرادات مبتنی بر این دلایل که موافقت نامه داوری وجود ندارد و بنابراین داوران فاقد صلاحیت هستند، معمولاً در درخواستهای ابطال رأی دیده نمی‌شوند. این ایرادات معمولاً در مرحله‌ای جلوتر خواه به شکل درخواست توقف داوری یا در مخالفت با تقاضا اجبار به داوری، صورت می‌گیرد. دلیل آن این است طرفی که در داوری شرکت می‌کند، اینگونه تلقی خواهد شد که او از حق ایراد به این دلیل که موافقت نامه داوری وجود ندارد، صرف‌نظر کرده است. بهر حال تصمیمات دادگاه و مقررات صریح در اکثر قوانین ایالتی به طرفینی که در داوری شرکت نمی‌کند اجازه می‌دهد تا این دلیل که موافقت نامه داوری وجود ندارد، درخواست لغو رأی داوری را بنماید.

ایرادات به این دلیل که داوری بر خلاف نظم عمومی بوده، می‌تواند در هر زمان بعنوان موضوعی که متضمن داوری است در نزد دادگاه مطرح شود.

### ۴- صلاحیت داوران

قابلیت ارجاع یک اختلاف خاص به داوری خود قابل حکمیت است، بنابراین داوران راجع به اهلیت یا صلاحیت خود در تصمیم‌گیری برخی از موضوعاتی که طبق



موافقت نامه طرفین در نزد آنها مطرح می‌شوند، حکم می‌کنند. ولی در صورتی که به صلاحیت به این دلیل که موافقت نامه داوری معتبری وجود ندارد، ایراد شود، این موضوع در صلاحیت تصمیم قضایی است.

قانون داوری فدرال مقرر می‌دارد «در صورتی که انعقاد موافقت نامه داوری یا قصور، غفلت یا امتناع از اجرا همان مورد، مصداق شود، دادگاه بطور اختصاری اقدام به رسیدگی می‌کند». بخش ۲ (ب) قانون داوری متحد الشكل مقررات مشابهی دارد. در قانون داوری فدرال و قانون داوری متحد الشكل پیش بینی شده است که این ایراد پیش از شروع داوری مطرح خواهد شد. بهر حال طبق قانون داوری متحد الشكل، فقدان موافقت نامه داوری معتبر، دلیلی است که بر اساس آن رأی می‌تواند لغو شود، منوط به اینکه حقوق طرف با طرح ایراد پیش از شروع داوری، حفظ شده باشد.

### فصل هفتم - آرای داوری خارجی

#### ۱- الف - کنوانسیونهای بین المللی

قانون ایالات متحده شناسایی و اجرای موافقت نامه‌های داوری در کشورهای دیگر و آرای داوری صادره در خارج را تأیید کرده است. این تأیید بستگی دارد به کنوانسیونهای بین المللی، معاهدات دو جانبه و خط مشی که به نفع داوری بین المللی است، حتی در مواردی که کنوانسیون یا معاهده‌ای وجود ندارد.

ایالات متحده در ۱۹۷۰ به کنوانسیون راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی ملحق شد (کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک)، مشروط به حق شرطی که این کنوانسیون اعمال خواهد شد فقط ۱- در خصوص آرای که در سرزمین کشور متعاقد دیگر صادر شده باشد و ۲- راجع به اختلافاتی که از قانون ملی ایالات متحده ناشی می‌شود. در همان زمان، قانون داوری فدرال اصلاح شده و فصل جدیدی برای اجرای کنوانسیون مزبور به آن اضافه گردیده است.

قانون داوری فدرال پس از اصلاح مقرر می‌دارد که: ۱- کنوانسیون نیویورک توسط دادگاههای فدرالی که بر چنین پرونده‌هایی صلاحیت دارند، اجرا خواهد شد و نیز پرونده‌ها می‌تواند از دادگاههای ایالتی برای این منظور انتقال داده شوند؛ ۲- در ظرف مدت سه سال پس از آنکه رأی صادر شد و مشمول کنوانسیون مزبور قرار گرفت،

هر یک از طرفین داوری می‌تواند از دادگاه صلاحیتدار دستور تأیید رأی داوری را درخواست نماید، و دادگاه باید تأییدیه رأی را صادر کند، مگر آنکه دادگاه به یکی از دلایلی که برای خودداری از اجرا در این کنوانسیون تصریح شده است، حکم دهد؛ و ۳- آیین‌های قانون داوری فدرال که در پرونده‌های داخلی از آن پیروی می‌شود، اعمال می‌گردد، مگر تا حدی که این آیین‌ها با کنوانسیون مزبور در تعارض باشند.

تصمیمات متعددی از دادگاه فدرال در چند سال گذشته وجود دارند که در آنها دادگاهها در اجرای موافقت نامه داوری در پرونده‌های بین المللی، کنوانسیون مزبور در تعارض باشند.

تصمیمات متعددی از دادگاه فدرال در چند سال گذشته وجود دارند که در آنها دادگاهها در اجرای موافقت نامه داوری در پرونده‌های بین المللی، کنوانسیون مزبور را اعمال یا به آن اشاره کرده‌اند. خلاصه‌ای از این پرونده‌ها در همه مجلدات «سالنامه داوری تجاری» دیده می‌شود. این پرونده‌ها نشان می‌دهد که کنوانسیون نیویورک همواره و بطور جدی توسط دادگاههای ایالات متحده مورد توجه قرار گرفته است.

دادگاه تجدیدنظر فدرال اخیراً حکم داده است که کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک توسط دادگاههای ایالات متحده برای اجرای آرای صادره در این کشور در داوریهایی بین دو طرف خارجی اعمال می‌گردد. البته این کنوانسیون هنگامی که حداقل یک طرف خارجی است، اعمال می‌شود، ولی سؤال این است که آیا کنوانسیون اعمال می‌گردد در مواردی که همه طرفها خارجی هستند و پرونده قبلاً تصمیم‌گیری نشده است<sup>(۱)</sup> این تصمیم انگیزه بیشتری برای طرفین خارجی ایجاد کرده است تا آنها ایالات متحده را بعنوان مقرّ داوری انتخاب نمایند.

علاوه بر کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک، ایالات متحده طرف کنوانسیون راجع به حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین کشورها و اتباع کشورهای دیگر نیز است. پرونده‌ای در دادگاههای ایالات متحده که در ارتباط با این کنوانسیون مطرح شده باشد، وجود ندارد. ایالات متحده کنوانسیون ۱۹۸۱ پاناما راجع به داوری تجاری بین

1- Bergesen V. Müller, U.S. Court of Appeals of the second circuit,

المللی بین کشورهای آمریکایی را امضاء کرده ولی هنوز به آن ملحق نشده است. ایالات متحده طرف " پروتکل ژنو راجع به شرط داوری " (۱۹۲۳)<sup>(۱)</sup>، " و کنوانسیون ژنو راجع به اجرای آرای داوری خارجی " (۱۹۲۷)<sup>(۲)</sup> " کنوانسیون اروپایی راجع به داوری تجاری بین المللی " (۱۹۶۱)<sup>(۳)</sup> هم نیست.

### ب - معاهدات دو جانبه

ایالات متحده عضو تعدادی از معاهدات دو جانبه که معمولاً بعنوان «معاهدات دوستی، بازرگانی و کشتیرانی» شناخته شده است، می باشد که شامل مقرراتی است که از اجرای آرای داوری به این دلیل که داوری در خارج از ایالات متحده تشکیل شده است یا بدلیل تابعیت داوران، امتناع نخواهد شد. بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۶ معاهدات دو جانبه ذیل توسط ایالات متحده با ایرلند، یونان، اسرائیل، ایتالیا، دانمارک، ژاپن، جمهوری آلمان فدرال، ایران، هلند، کره، نیکاراگوئه، پاکستان، فرانسه، بلژیک، ویتنام، لوکزامبورگ، توگو و تایلند منعقد شده است. معاهدات با ژاپن، جمهوری آلمان فدرال و دانمارک که در تصمیمات دادگاه به آنها اشاره شده، قابلیت اجرا به داوری بخشیدند. همچنین مقررات مربوط به داوری در موافقت نامه های تجاری بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و جمهوری خلق چین وجود دارد. ایالات متحده طرف معاهدات سرمایه گذاری دو جانبه با مصر و پاناما است که اجرای آرای داوری طبق هر کنوانسیون قابل اعمالی را پیش بینی کرده است.

### ۲- اجرای آرای داوری بدون کنوانسیون یا معاهده

تصمیماتی در دادگاههای فدرال و در بعضی از دادگاههای ایالتی وجود دارند که موجب اجرای داوری شده اند، حتی در مواردی که کنوانسیون یا معاهده دو جانبه ای وجود نداشته است. قابل توجه است که این تصمیمات بطور کلی عمل متقابل را بعنوان شرط اجرای موافقت نامه داوری لازم نمی داند.

1- Geneva Protocol on Arbitration Clauses.

2- Geneva Convention on the Execution of Foreign Arbitral Award.

3- European Convention on International Commercial Arbitration

### ۳- قواعد نظم عمومی

کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک به دادگاه اجازه می‌دهد در صورتی رأی مغایر با نظم عمومی باشد، از اجرای داوری خودداری کند (بند ۲ ماده ۵). دادگاه‌های ایالات متحده حکم داده‌اند که امتناع از اجرای داوری بدلیل نظم عمومی باید بسیار محدود شود و باید فقط در مواردی که، همانگونه که یک دادگاه نظر داد، داوری «اکثر تصورات اساسی اخلاقی و عدالت» را نقض کرده باشد، از اجرا خودداری شود.

دادگاهها بویژه از زمان الحاق ایالات متحده به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک برسمیت شناخته‌اند که سیاست عمومی بین المللی ایالات متحده به نفع اجرای داوری بین المللی بعنوان عنصر اساسی در ارتقاء تجارت خارجی و صلح جهانی است. این خط مشی بین المللی یا فراملی که بر سیاستهای عمومی ملی تفوق داده شده، در قوانین داخلی بیان گردیده است.

پرونده شاخص بوجود آورنده اصل مزبور، پرونده - *Scherk v. Alberto Culrer* بوده که در ۱۹۷۴ توسط دیوانعالی ایالات متحده تصمیم‌گیری شده است. در این پرونده، دادگاه موافقت نامه داوری اختلاف مطرح شده در تجارت بین المللی که متضمن فروش سهام شرکت بوده است را اجرا کرد. گرچه نظم عمومی داخلی که با قانون فدرال بوجود آمده، داوری اختلافات مربوط به چنین بیع سهام شرکت را اجازه نداده است. همچنین دادگاه فدرال آرای داوری خارجی علیه شرکت آمریکایی که ورشکسته بود را اجرا کرد. گرچه در صورتی که رأی در یک اختلاف داخلی صادر شده بود، اجرای آن بوسیله نظم عمومی ملی که در قوانین ورشکستگی فدرال بوجود آمده است، ممنوع شده بود. همچنین داوری در یک پرونده تجاری بین المللی<sup>(۱)</sup> در مواجهه با ایرادی که نظر عمومی ملی در مقابل تحریم تجاری نقض کرده است، مورد رسیدگی و حکم قرار می‌گیرد.

در کلیه این پرونده‌های تجارت بین المللی، داوری در وضعیتهایی به اجرا گذاشته می‌شود که در آن چنانچه پرونده در تجارت داخلی مطرح می‌شود، ممنوع

می‌گردید.

در آغاز این گزارش به بیانیه دیوانعالی ایالات متحده در ۱۸۵۵ اشاره شده است که مقرر می‌داشت «دادگاهها باید مشوق داوری باشند». بررسی اجمالی فوق پیرامون رویه داوری در ایالات متحده نشان می‌دهد که این اصل از نظر قانون، کنوانسیونها و تصمیمات دادگاه پیوسته اجرا شده و آن سیاست قوت و اعتبار ویژه‌ای در زمینه داوری تجاری بین‌المللی داشته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع:

شایان ذکر است اگرچه نویسنده مقاله حاضر مستقیماً (بصورت پاورقی) به منابع و مآخذ ارجاع نداده، لیکن مطالعه منابع زیر را در خصوص موضوع مقاله توصیه می‌نماید. نویسنده اضافه می‌کند که کتاب زیر رساله مهم راجع به داوری تجاری در ایالات متحده است:

" Law and practice of Commercial Arbitration", M. Domke, Callaghan & Co., 1968 with a 1982 Commulative اطلاعات مفیدی راجع به داوری در انتشارات انجمن داوری آمریکا می‌تواند یافت شود، از جمله:

- The Arbitration Journal، فصلنامه‌ای است شامل مقالات معتبر و ملخص آرای فدرال و ایالتی مهم در رابطه با داوری.

- The Lawyers Arbitration Letter، فصلنامه‌ای است که قانون و رویه مربوط به داوری را تجزیه و تحلیل می‌کند.

- Arbitration and the Law، مجموعه سالیانه تصمیمات دادگاه، قانون ایالات متحده و بین المللی، و نقطه نظرات راجع به داوری.  
- سایر جزوات و کتب راجع به رویه داوری، منجمله:

**A Businessman's Guide to Commercial Arbitration and A Manual for Commercial Arbitrators.**

- دفتر مشاوره کلی مربوط به انجمن داوری آمریکا هر ساله تعدادی مقاله در این خصوص آماده می‌کند که بسیاری از آنها به داوری تجاری بین المللی مربوط می‌شوند.

- «کتابخانه داروی ایست من وابسته به انجمن داوری آمریکا» که مجموعه وسیعی از نوشته‌های راجع به داوری تجاری بین المللی را در خود دارد که امکان فهرست بندی آنها در اینجا نیست. از میان این مجموعه با ارزش مقالات به زبان‌های مختلف در خصوص جنبه‌های گوناگون رویه داوری، کتابهای عمومی و اختصاصی در این زمینه و مجلات داوری و قواعد بسیاری از نهادهای داوری مختلف را می‌توان نام

برد. همچنین کتابخانه مزبور منابع مکتوب مربوط به عناوین مختلف حقوق و رویه داوری را ارائه می‌دهد و آنهایی را که مورد توجه ویژه‌ای است، عبارتند از:

- Basic Documents of International Commercial Arbitration (January, 1983);

- A Selected Bibliography of International Commercial Arbitration (September, 1978);

- A Selected Bibliography of International Commercial Arbitration (March, 1980).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی